

کتابشناسی تحلیلی

کتابهای منتشره در تابستان و پاییز ۷۶

- بابک نیک طلب: شاعر و کارشناس شعر کودک و نوجوان
- غلامرضا منفرد: کارشناس ارشد آموزش و پرورش و مدرس مرکز تربیت معلم
- زهرادرودیان: مسئول اجرایی کتابشناسی
- ۲. اعضای شورای عالی:

- سوسن طاق‌دیس: نویسنده و مسئول بخش «غنچه آفتابگردان» در روزنامه آفتابگردان
- شکوه قاسم‌نیا: شاعر و نویسنده و مدیر مسئول مجله شباب
- مصطفی رحماندوست: شاعر، نویسنده، مترجم و سردبیر مجله سروش کودکان
- فریدون عموزاده خلیلی: نویسنده، سردبیر روزنامه آفتابگردان و عضو سردبیری مجله سروش نوجوان

- کریم نصر: تصویرگر و مدرس طراحی
- مهدی حجوی

- ۳. کتابهای مورد بررسی تنها حوزه ادبیات و تصویرگری کودک و نوجوان را شامل می‌شوند، یعنی ادبیات داستانی (داستان، نسیب‌نامه و فیلمنامه)، شعر و آثاری که مایه‌های ادبی دارند و همچنین کلیه شئون تصویری و گرافیکی. بنابراین آثار علمی و یا کمک آموزشی تنها در صورتی که برخوردار از مایه‌های چشمگیر ادبی باشند در این حوزه

یادداشت

یکی از مهمترین بخشهای پژوهشنامه، «کتابشناسی تحلیلی» است. در این بخش تمامی کتابهایی که در یک فصل در حوزه ادبیات کودک و نوجوان به طبع رسیده است، در شورای اولیه بررسی می‌شود. سپس آثار برتر به شورای عالی ارسال می‌گردند تا بررسی و تحلیل شوند. آن گاه تعدادی از کل کتابها که به تشخیص شوراهای ارزش بیشتری برای طرح دارند، با ارائه چکیده آنها تحلیل و معرفی خواهند شد. هدف از کتابشناسی تحلیلی، نقد آثار نامناسب و مضر نیست بلکه معرفی کتابهای خواندنی و نیز ارج نهادن به آثار خوب، خیلی خوب و عالی است. درباره ترکیب دو شورا و شیوه کارشان مواردی قابل ذکر است:

۱. اعضای شورای اول:

- مصطفی خرامان: داستان نویس و عضو هیئت تحریریه سروش نوجوان

قراری می‌گیرند.

۴. این کتابها تنها گروههای سنی «الف، ب، ج، د، ه» و با مشترک بین دو گروه را در بر می‌گیرند، یعنی گروه پیش از دبستان و دانش آموزان دوره دبستان، راهنمایی و متوسطه.

۵. در بررسی يك اثر، تمام جنبه‌ها تحلیل می‌شود و نه تنها يك جنبه خاص همچون متن. بنابراین اگر يك كتاب، متنی قوی اما تصاویری ضعیف داشته باشد، معدلی از متن و تصویر به نامش ثبت خواهد شد. کودکان اصولاً از کتابها تأثیری واحد می‌گیرند. بنابراین ما نیز از روزنه چشم کودک به کتابها می‌نگریم و بر این باوریم که تولید کتاب کودک، کاری جمعی است و در نهایت تأثیری یکپارچه بر مخاطب می‌گذارد.

۶. ملاک شناسایی و جمع آوری کتابهای هر فصل، مراجعه به نشریه نعلیه و نیز مراجعه حضوری به بازار کتاب است. بنابراین اگر کتابی مدتها پس از تاریخی که در شناسنامه اش قید شده است روانه بازار شود - چنانکه بسیار پیش می‌آید - آن را همراه با کتابهای فصل بعد بررسی خواهیم کرد.

۷. اعضای محترم شوراهای نسبت به آثار خودشان اظهار نظر نخواهند کرد.

۸. بی‌تربید، نخالت نوق و برداشت شخصی و نیز احتمال خطا و لغزش در قضاوت تا حدی اجتناب ناپذیر است؛ اما اعضای شوراهای خداوند سبحان مدد می‌جویند که جریانی کارشناسانه و سالم در بستر نقد ادبیات کودک و نوجوان جاری کنند. آنها در این راه دشوار، راهبردها و تذکرات را غنیمت می‌شمارند.

فهرست کتابهای بررسی شده

نام انتشارات	نویسنده/پاشماعر	نام کتاب
محراب قلم	افسانه شعبان نژاد	۱. النگوهای قرمز
حوزه هنری	جعفر ابراهیمی (شاهد)	۲. ای ایران
نقطه	آتوسا صالحی	۳. با اجازه بهار
بین الملل شمس	زهرا شمس	۴. بچه ماهیهای بازیگوش
حوزه هنری	محضر رضا اصلانی	۵. بسته‌های خندان
خانه روزنامه نگاران جوان	عرفان نظر آهاری	۶. پشت کوجهای ابر
نقطه	مهرداد کوچک	۷. بهلوانان
جهان اندیشه کودکان	محمد حسین پژونده	۸. بهر روشن خرد
جوانه‌ها	ژیلا احمدی	۹. جوجه نازنازی، قایم باشک بازی
حوزه هنری	مهری ماهوتی	۱۰. چتر گل
کهبان	مهری ماهوتی	۱۱. جشنه امید
جهان اندیشه کودکان	اللهوردی آنری نجف آبادی	۱۲. چغندر سخنگو
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	جوآن لوكسو (ترجمة اعظم السادات امینی)	۱۳. چه خوب، چه بد!
حوزه هنری	محمد بکاسی	۱۴. حمزه

۱۵. خاله تنها، خاله با ما
 ۱۶. خانه صبا و گلپایا
 ۱۷. خانه‌های پر از طلا
 ۱۸. خدا حافظ، پدر
 ۱۹. خرگوش و خارپشت
 ۲۰. خسته نهانی گل بهار
 ۲۱. خواب و تاب و بهار نارنج
 ۲۲. درخت سوخته
 ۲۳. دلاوران قلعه خورشید
 ۲۴. دوستی چقدر زیباست
 ۲۵. راز پنهان
 ۲۶. رقص ببرها
 ۲۷. سانه مثل آسمان
 ۲۸. سپر بلا
 ۲۹. سقرت الماس جاپپور
 ۳۰. شعرهای ناتمام
 ۳۱. صدای پای پیروزی
 ۳۲. عزیز خانوم
 ۳۳. قصر گل
 ۳۴. قصه پلنگ سفید
 ۳۵. قصه‌های آسمانی
 ۳۶. قصه‌های رنگین کمان
 ۳۷. کلاغ نوستداشتنی
 ۳۸. کلاغه به خانه‌اش رسید
 ۳۹. ماجراهای تاد
 ۴۰. ماجراهای میمون کنجکاو (۱)
 ۴۱. ماجراهای میمون کنجکاو (۲)
 ۴۲. ماجراهای میمون کنجکاو (۳)
 ۴۳. مسافرت هانا
 ۴۴. موش و گربه
 ۴۵. نقاشی‌ها حرف می‌زنند
 ۴۶. و بستهای از خاک روئینند
 ۴۷. هزار و یک شب (۱)
 ۴۸. هزار و یک شب (۲)
 ۴۹. بافا
 ۵۰. یک قطعه آسمان
- محمد رضا یوسفی
 جعفر ابراهیمی (شاهد)
 غلامرضا آبروی
 ناصر نادری
 ه- نوید
 امیر حسین فردی
 پروین علیپور
 کیلر ژوبرت (ترجمه سمیه جلالی)
 محمد مهرکامی
 برایان و ایلد اسمیت (ترجمه حبیب‌الله لزگی)
 مهری ماهوتی
 راشل هوبن (ترجمه حبیب‌الله لزگی)
 محمدرضا مزیانی
 سید فلاشمن (ترجمه منوچهر صانق خانجانی)
 دانیل مورگو (ترجمه نکوشی ناآپتی)
 محمدرضا مزیانی
 ناصر نادری
 حمیدرضا داداشی
 سعید جلو مگری
 سید مهدی شجاعی
 میترا صانقی
 واحد تولید جوانها
 لیلی ماهاسالم (ترجمه عباس داداشی)
 شکوه قاسم‌نیا
 فیلیپا پیرس (ترجمه منصوره کریمی)
 مارگارت ری (ترجمه متین پندرامی)
 مارگارت ری (ترجمه متین پندرامی)
 مارگارت ری (ترجمه متین پندرامی)
 ورسولا ژافل (ترجمه کمال بهروزکیا)
 مصطفی رحماندوست
 ظریفه روئین
 سوسن طاق‌دیس
 شکوه قاسم‌نیا
 شکوه قاسم‌نیا
 زهرا شمس
 احمد زارعی
- نقطه
 دوست
 طلا
 کبهان
 نقطه
 حوزه هنری
 پژوهش اسلامی
 دفتر نشر فرهنگ اسلامی
 حوزه هنری
 فرجام
 کبهان
 فرجام
 روبش
 همراه
 مرکز
 حوزه هنری
 کبهان
 درجه
 کبهان
 کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
 درجه
 جوانها
 همراه
 نوست
 سروش
 کبهان
 کبهان
 کبهان
 نوست
 پیدایش
 حوزه هنری
 حوزه هنری
 پیدایش
 پیدایش
 بین‌الملل شمس
 کبهان

کتابهای تابستان ۶۷ از نگاه آمار

۱. کیفیت معرفی آثار

تعداد	کیفیت	عدم معرفی	شایسته معرفی
فراوانی	۴۰	۱۰	
درصد	۷۸	۲۲	

۲. گروه سنی

تعداد	گروه سنی	الف	الف-ب	ب	ب-ج	ج	ج-د	د	د-ه	ه
فراوانی	۱	۱۲	۴	۶	۵	۱۱	۳	۷	۱	
درصد	۲	۲۴	۸	۱۲	۱۰	۲۲	۶	۱۴	۲	

۳. وضعیت تألیف و ترجمه

تعداد	نوع اثر	تألیف و اقتباس	ترجمه
فراوانی	۳۸	۱۲	
درصد	۷۶	۲۴	

۴. قالبهای آثار

قالب	فراوانی	تعداد	درصد
داستان	تصویری	—	—
	کوتاه	۱۵	۳۰
	مجموعه	۲۲	۴۴
	بلند	۳	۱
	رمان	۱	۲
شعر	بلند	۱	۲
	مجموعه	۷	۱۴
	قصه منظوم	۱	۲
سفرنامه	—	—	—
فیلمنامه	—	—	—
نثر ادبی	—	—	—

۵. قطع کتابها

قطع	فراوانی	تعداد	درصد
رحلی			
خشکی	بزرگ	۱۷	۲۴
	متوسط	۲	۶
	کوچک	۲	۴
وزیری	بلند	—	—
	کوتاه	۴	۸
رقعی			
		۱۶	۲۲
پالتویی			
		۳	۶
جیبی			
		۲	۴
بیاضی			
		۳	۴

۶. پرکارترین نویسنده: زهرا شمس و ناصر نادری با دو اثر.

۷. پرکارترین مترجم: متین پدرامی با سه اثر و سید حبیب‌الله لژکی با دو اثر.

۸. پرکارترین بازنویس: شکوه قاسم‌نیا و مهری ماهوتی با دو اثر.

۹. پرکارترین ویراستار: شراره وظیفه‌شناس و امیرحسین فردی با دو اثر.

۱۰. پرکارترین تصویرگر: محمدعلی بنی‌اسدی، پرویز اقبالی و داوود صفری هر کدام با سه اثر. سعید جزایری،

علی اکبر بیواره، نیلوفر میرمحمدی، مهری فروزان و فاطمه رادپور با دو اثر.

۱۱. پرکارترین صفحه‌آرا: رسول فلاح‌پور با چهار اثر، روشنگر علیزاده با دو اثر.

۱۲. پرکارترین ناشر

تعداد عنوان	نام مؤسسه انتشاراتی
۹	حوزه هنری و کیهان
۴	نقطه
۳	دوست و پیدایش
۲	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، فرجام، همراه، درچه، جوانه‌ها و بین‌الملل شمس

۱۳. مجموع تیراژ کتابها: ۵۰۵۵۰۰ جلد، میانگین تیراژ برای هر کتاب حدود ۱۰۱۱۰ جلد.

۱۴. مجموع صفحات کتابها: ۱۹۴۶ صفحه، میانگین تعداد صفحه برای هر کتاب حدود ۳۸ صفحه.

۱۵. مجموع بهای کتابها: ۸۶۳۱۰۰ ریال، میانگین بها برای هر کتاب حدود ۱۷۲۶ ریال.

چند نکته درباره کتابهای این فصل

گرچه قابل معرفی بودن تنها ۱۰ اثر از مجموع ۵۰ عنوان کتاب بررسی شده، خود نشان دهنده وضعیت نامطلوب ادبیات کودک و نوجوان است، اما توجه به اطلاعات زیر رنگ خطر را بیشتر بر عرصه ادبیات داستانی به صدا در می آورد.

۱. از مجموع ۵۰ کتاب بررسی شده ۴۴ عنوان (۸۸ درصد آثار) داستانی هستند.
 ۲. تنها ۶ کتاب شعر در این شماره وجود داشته که تماماً - با قدری اغماض - قابل معرفی شناخته شده اند.
 ۳. از مجموع ۴۴ کتاب داستانی تنها ۴ کتاب (کمتر از ۱۰ درصد) شاهسته معرفی تشخیص داده شده اند.
 ۴. از میان ۴ کتاب معرفی شده نیمی تألیفی و نیمی دیگر ترجمه ای است.
 ۵. با توجه به مجموع ۱۲ کتاب داستان ترجمه ای و ۲ کتاب قابل معرفی، می توان گفت حدود ۱۶ درصد آثار منتشر شده خارجی قابل معرفی بوده اند.
 ۶. با توجه به رقم ۲۲ عنوان کتاب داستان تألیفی یا بازنویسی، تنها حدود ۶ درصد آثار قابلیت لازم برای معرفی را داشته اند.
 ۷. جالب آنکه در مجموعه ادبیات داستانی هر نوع داستانی از پلیسی گرفته تا عاطفی و از تألیفی گرفته تا بازآفرینی و بازنویسی شده دیده می شود. از آن مهم تر حضور چهره هشت تن از نویسندگان با سابقه این حیطه است که متأسفانه آثار هیچ کدام آنها از سطح مناسبی برخوردار نبوده است.
- با آنچه آمد باید گفت ادبیات داستانی کودک و نوجوان ناخوش است.

چتر گل

سراینده: مهری ماهوتی. تصویرگر: خشایار قاضی زاده. گروه سنی: ب و ج. ناشر: حوزه هنری. تعداد: ۱۱۰۰۰ نسخه. ۲۴ صفحه رنگی. ۱۶۰۰ ریال.

این مجموعه، شامل ۱۲ چهار پاره کودکانه است که مهمترین موضوعات آن برگرفته از دنیای بچه های دبستانی است: شب، خواهر کوچک، قطار، پروانه و گل و... جشن عبادت، نه سالگی و چانر، کوه دماوند و مدرسه موضوعاتی هستند که بیشترین حضور را در کتاب دارند. «غنچه ها» نخستین شعر این مجموعه را می خوانیم:

می نشیند ماه امشب
روی فرش آسمانها
نور می پاشد دوباره
بر حیاط کوچک ما
آسمان پر می شود از
زرهایی مثل پولک
مثل گلدانی که دارد
غنچه هایی ریز و کوچک
می شمارم غنچه ها را
در دل خود دانه، دانه
می روم مهمانی شب
از حیاط تنگ خانه

دیدگاه:

شعر کودک اگر چه ساده به نظر می آید و از واژه ها و ترکیباتی ساده و روان تشکیل شده است، اما گاهی نباید معنی و مفهوم مناسب این گروه را از نظر دور

جملات و تصویرهای خیال‌انگیز بیشتر انتزاعی‌اند تا حسی: «در نگاهت آبشاری از مهر پیداست، در سکوتی سنگین فرش یخ می‌بافی، نقش روی قالی جوپاری تنهاست و...» و آخر اینکه ارتباط معنایی از ابتدا تا انتهای شعر وجود ندارد و نتیجه‌گیری آخر شعر، ناگهانی و بدون زمینه است.

از دیگر موارد دیده شده در اشعار: «قاب مهتاب، غنچه‌ها، مثل پروانه و...» می‌توان نمونه آورد که از صمیمیت و یکدستی مجموعه برای گروه سنی مورد نظر سراینده می‌کاهد.

تصویرهای این کتاب، چند نکته مثبت و منفی دارد. اولین نکته مثبت، پرهیز تصویرگر کتاب از ایجاد جذابیت‌های کاذب تصویری است و نکته دوم، دافع نبودن شخصیت پردازی‌های ایشان است که امتیاز کمی نیست. در بسیاری از تصویرسازی‌های کتابهای کودک ما، چهره شخصیت‌ها، با چشمهای خمار و بیمار و لبهای تابناگوش باز شده، بیشتر دافع‌اند تا جذاب. پس تصویرگر این مجموعه اولین قدم را برای به تصویر کشیدن دنیای سالم، پاک و معصوم کودکان برداشته است، اما اصرار او به هویت‌مند نمایاندن این تصویرها، موجب فدا شدن چند عنصر مهم شده است که لازمه تصویرسازی برای کودکان تلقی می‌شوند.

اول اینکه این شخصیت‌ها چنان رسمی و «بالاد» تصویر شده‌اند که گویی متعلق به دنیای ما نیستند، کودکانی با وقار و متین که گویی سطر به سطر گلستان را از بر هستند و دائماً «شعر حافظ» از بر می‌کنند.

دوم اینکه، در رنگ آمیزی تصویرها به رغم استفاده نکردن تصویرگر از جذابیت‌های کاذب، جایگزینی مثبتی انجام نشده است. رنگ آمیزی تصویرها بسیار بی‌حرک و محافظه کارانه است. این نوع رنگ آمیزی که در هنر ادوار گذشته ما نیز سابقه نداشته است، ارتباطی با کودکان برقرار نمی‌کند.

چه بخواهیم و چه نخواهیم، در عصری زندگی

داشت و با عبارتی ساده و روان، مفاهیمی سنگین را به مخاطبان ارائه کرد.

وظیفه شاعر کودک این است که ضمن رعایت قوانین دستور زبان و حفظ اصول نگارش به زبان ساده، مضامین و مفاهیمی را به کار بگیرد که با کودکان مأنوس باشد و از خیال برانگیزی و تصویرپردازی‌های پررنگ و غلیظ شاعرانه، پرهیز کند. همچنین در ساخت شعر باید به ارتباط بندها و هماهنگی علت و معلولی توجه داشت. با ذکر مثالهایی به بیان این مطالب می‌پردازیم:

ای دماوند سپید/ راستی زیبایی / گرچه در این سرما/ مثل من تنهایی

آبشاری از مهر / در نگاهت پیداست / زیر نور مهتاب / شب کلاحت زیباست

در سکوتی سنگین / فرش یخ می‌بافی / بوته‌های قندیل / نخ به نخ می‌بافی

جوپاری تنها / نقش روی قالبیت / مثل من می‌گویی / جای گلها خالیست.



در شعر بالا که «جای گلها خالی» نام دارد، ترکیباتی چون «آبشار مهر، شب کلاه، سکوت سنگین، فرش یخ، بوته قندیل» حضور یافته‌اند که برای کودکان دبستانی مناسبی ندارند. همچنین، این

سالها در کتابی مستقل انتشار یافته‌اند. شعرهای نخستین کتاب، بیشتر سیاه مشق‌های ابتدایی شاعرند که خالی از لطف هم نیستند، اگر چه شعار پررنگ‌تر از شعر در آنها جلوه می‌کند.

برخیز تا در سنگر عشق
با هم سرود خون بخوانیم
با بانگ دشمن کوب تکبیر
از خاک، دشمن را برانیم

[ص ۱۴]

یاران ما والفجر گفتند
بر دشمنان آتش گشویند
پس از زمانی، جنگ و پیکار
آواز پیروزی سرودند

[ص ۲۶]



ناپختگی زبان، نبود انسجام کلام، استفاده از وزنهای بلند برای مثنوی و به کارگیری واژگان شعر بزرگسال که یادگار دوره آغازین و تجربه‌های نخستین شاعر است، در این دفتر فرصت بروز یافته‌اند:

می‌آیم از شهر شهادت، شهر ایثار/
با چهره‌ای افسرده و با جسم خونبار

می‌کنیم که مملو از عناصر متحرک است و کودکان نیز با این تحریک رشد می‌کنند. حذف عناصر متحرک از تصویرسازی کودکان - حتی اگر این عمل در کمال صداقت و حسن نیت انجام شود - موجب روی برگرداندن کودکان از این گونه تصاویر می‌شود.

سوم اینکه کودکان به جزء جزء عناصر تصویری حساسند و در آنها معنایی را می‌جویند. استفاده تصویرگر از شکلهای اتفاقی کاغذ «ابر و باد» که به صورت زمینه‌ای برای ترسیم تصویرها از آنها استفاده شده است، در بسیاری از موارد کاملاً بی‌معناست. این مورد، در تصویر «کوه دماوند» - مربوط به تصویر شعر «جای گلها خالی» - کاملاً مشهود است.

ای ایران

سراینده: جعفر ابراهیمی (شاهد). گروه سنی: ج و د.
ناشر: حوزه هنری. تعداد: ۶۶۰۰ نسخه. ۴۰ صفحه.
۱۰۰۰ ریال.

تمام بیست و سه شعر این دفتر، در زمینه‌های جنگ و مقاومت سروده شده‌اند و گزیده‌ای از اشعار شاعر در این باره به شمار می‌آیند.

همان طور که در مقدمه کتاب آمده است، این آثار یادگاری از روزهای ایثار و شهادت بوده و هیچ گونه اصلاح و تغییری از زمان سرودنش در آنها به وجود نیامده است. اغلب این سروده‌ها در قالب چهارپاره و مثنوی با عناوینی چون: ایران شهید، پیروزی، نامه پدر از جبهه جنگ، عشق خدا و مهر رهبر، والفجر، خرمشهر، سنگر، همسنگر و... منتشر شده‌اند.

دیدگاه:

اعتبار این دفتر، تنها به خاطر ثبت وقایع اجتماعی و تاریخ معاصر ایران، به ویژه مسئله مقاومت و دفاع مقدس و نقش نوجوانان و ادبیات آنان در این دوره بحرانی و سرزنش‌ساز است. برخی از اشعار این دفتر، در دیگر مجموعه‌های شاعر نیز حضور دارند و برخی از آنها در مجلات مختلف به چاپ رسیده‌اند و به هر صورت، این شعرها برای نخستین بار و پس از

قطره‌ای خون چکیده بود بر آن مثل گل کرده بود تهران را

✿ شعرهای این کتاب بدون تصویر ارائه شده‌اند و ناشر به یک طرح جلد اکتفا کرده است. این روی جلد ظاهری مدرن دارد و برای طراحی آن از عناصر شناخته شده و تکراری لاله و خورشید استفاده شده است. اجرای روی جلد قابل قبول است، اما رنگ آمیزی آن فاقد انرژی لازم برای تأثیرگذاری درونی است. این ضعف از آنجا ناشی می‌شود که طراح بیش از آنکه نغدغه تأثیرگذاری درونی بر مخاطب خود داشته باشد، به روابط ظاهری رنگها می‌اندیشد و به محض آنکه به رابطه‌ای «جور شده» نست پیدا کرد، آن را ارائه می‌دهد. عنوان کتاب هم که با خط شکسته نستعلیق طراحی شده و دارای چند خط بلند و نرم است، با تصویر «مدرن» روی جلد رابطه‌ای برقرار نمی‌کند.

سپر بلا

نویسنده: سپید فلاپشمن. مترجم: منوچهر صادق خانجانی. گروه سنی: ج و د. ناشر: کتاب همراه. تعداد: ۳۰۰۰۰ نسخه. ۸۰ صفحه. ۷۰۰ ریال.

در زمانهای قدیم، شاهزاده‌ای بسیار بازیگوش در قصری باشکوه زندگی می‌کرد. او که به درس و مشق علاقه‌ای نداشت، اوقات خود را صرف آزار رساندن به دیگران می‌کرد و چون شاهزاده بود، همیشه پسری در قصر به جای او تنبیه می‌شد. به همین دلیل، به آن پسرک «سپر بلا» گفته می‌شد. روزی شاهزاده از زندگی در قصر خسته می‌شود و تصمیم می‌گیرد که آنجا را ترک کند، اما چون دوست ندارد به تنهایی سفر کند، سپر بلا را وادار می‌کند تا او را در این سفر همراهی کند. آنها در ابتدای سفر اسیر دو دزد می‌شوند، ولی با ترفندهایی از چنگال آنها نجات می‌یابند. دزدان که به ماهیت شاهزاده پی برده‌اند، نست بردار نیستند و به تعقیب آنها ادامه می‌دهند. تا اینکه در اواخر داستان، با نقشه سپر بلا نستگیر

روحم ولی مانند دریا پر زغوغاست / قلبم پر از توفان و
جانم مثل دریاست [ص ۲۱]

بیدم قشون کافر از هر سو دویدند / پا از میان
عرصه میدان کشیدند
چون ریگ پر شد ناگهان دامان صحرا / از کشته آن
بیدلان بی سرو پا
از آن سوار آمد دوباره بانگ فریاد / ای کافران
بی سرو پا، مرگتان باد!

دریا دلان راه خدا را برگزیدند / نرد بلا را بی مهابا
سرکشیدند...

[ص ۲۲ و ۲۴]

هر چند که اگر دلپستگی شاعر به این اشعار نبود، می‌شد از میان همه آنها مجموعه‌ای یکدست‌تر و کاملتر را برای کودکان و نوجوانان انتخاب کرد، با این حال به عنوان اثری ویژه جنگ، برای مخاطبان کودک و نوجوان پذیرفته به نظر می‌رسد. «گل و تهران» شعری خاطره انگیز از روزهای موشک باران است که به عنوان نمونه می‌خوانیم:

موشک افتاد توی کوچه ما
من پریدم ز خواب خوش ناگاه
شیشه‌ها ریخت روی بستر من
مادرم ناله کرد: «یا الله»

پدرم گفت: «کوچه ما بود»
مادرم سر به زیر کرد و گریست
دود پیچید در محله ما
پدرم گفت: «هیچ طوری نیست»

صبح، وقتی به کوچه رفتم من
خانه‌های خراب را دیدم
زیر آوار خانه‌ای ناگاه
چند کیف و کتاب را دیدم

روی دیوار خانه‌ای دیدم
نقشه‌اشنای ایران را



سطرهای ۱۵ و ۱۶]

که در رسم الخط رایج، به حرف ربط به کلمه بعدی نمی‌چسبد و بین «می‌شوی» و «ولی» باید کاما گذاشته می‌شد.

- «پسرکی را از بین مردم عادی به قصر می‌آوردند و به جای شاهزاده تنبیه می‌کردند.» [صفحه ۵ سطرهای ۲۵ و ۲۶]

علاوه بر این، در صفحه آرایشی داستان دقت کافی صورت نگرفته و صحنه‌های جدا از هم به خوبی مشخص نشده‌اند. به عنوان مثال در صفحه ۷، چهار خط پایانی صفحه، وصف صحنه‌ای دیگر از داستان است که بدون دلیل به بخش قبلی متصل شده است.

تصویرهای این کتاب بسیار جذاب و دوست داشتنی‌اند و این امر از تجربه طولانی تصویرگر آن حکایت می‌کند که متأسفانه نام و نشانی او در ترجمه فارسی کتاب به چشم نمی‌خورد. این تصویرگر کوشیده است تا با شخصیت‌پردازی دقیق قهرمانان داستان، از مجموعه عناصر تصویری داستان کلیتی دلچسب و فراموش نشدنی فراهم آورد تا خواننده در سراسر عمر خود آرزوی ملاقاتشان را داشته باشد. در این تصاویر «زشت‌کردارترین» موجودات نیز با حرکاتی کودکانه به نور از خشونت ترسیم شده‌اند؛ موجوداتی که طینتی پاک دارند و طالب آرامش‌اند. شخصیت‌هایی مثل «بیلی بوگندو» که برخلاف اندام پهل‌وارش، خطوط نرم و مدور چهره‌وی حاکی از بلاهتی است که گویی با کمی مهربانی و نوازش، به شیرینی رام و سر به راه تبدیل می‌شوند.

طراحی‌های این تصویرها ساده‌اند و اجرایی پیراسته دارند که به نور از خودنمایی‌های فناورانه، در کمال سادگی در جستجوی نفوذ به خزانه خاطر هاست.

متأسفانه قطع «اتوبوسی» کتاب، ویژگی‌های طراحی‌ها را از بین برده است و در بسیاری موارد عناصر تصویری به سطوحی یکسخت و تیره تبدیل شده‌اند.

می‌شوند. شاهزاده که در سختی‌های سفر آبدیده شده است تصمیم می‌گیرد به قصر بازگردد و در رفتارش با دیگران، به ویژه سپر بلا تجدید نظر کند.

دیدگاه:

درگیریهایی داستان، در عین سادگی، شیرین و باورپذیرند و پرداخت شخصیت‌های اصلی آن خوب است. داستان به آرامی آغاز می‌شود، ولی سریع اوج می‌گیرد و گره‌های متعددی پیدا می‌کند. همین سرعت در پیشروی اگر چه باعث استحکام ارتباط خواننده با داستان می‌شود، ولی بر سرعت ریتم آن می‌افزاید؛ گویا نویسنده سعی دارد همانند گزارشگر یک بازی سریع، تمام حوادث را به تندی مطرح می‌کند و از آنها بگذرد. به همین دلیل، در این داستان کمتر شاهد مکث و آرامش هستیم. این روند باعث شده است که دیگر شخصیت‌های داستان، خوب پرداخت نشده و به خوبی حس نشوند.

اشکال دیگر «سپر بلا» نشر نه چندان ساده و روان آن است. نگاهی اجمالی به مثال‌های زیر که از صفحه‌های آغازین کتاب انتخاب شده‌اند، نشان دهنده کم‌بقتی در نوشتن داستان آن هم در حجم فعلی (قطع پالتویی ۷۷ صفحه) است.

- «بی شعور اکوین! هر را از برتشخیص نمی‌دهید!...» [صفحه ۹ سطر ۲] که در این جمله در ضمن لازم بود برای کلمه‌های هر و بر کسره گذاشته می‌شد تا خواندن آن برای خواننده آسان‌تر باشد.

- «شاه دستور می‌دهد ما را تعقیب کنند... تو براحتی خلاص می‌شوی ولی من چی؟» [صفحه ۱۱



چه خوب! چه بد!

نویسنده و تصویرگر: جوان کوکو، مترجم: اعظم السادات امینی، ویراستار: شراره وظیفه شناس، گروه سنی: ب. ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تعداد: ۳۰۰۰ نسخه، ۴۸ صفحه رنگی، ۱۹۰۰ ریال.

این کتاب شامل دو داستان مستقل است که خلاصه نخستین داستان آن را می خوانید:

ببری قوی هیکل، قصد دارد پسرکی به نام «بها» را شکار کند. «بها» به بهانه اینکه خسته است، قصه تعقیب و گریز طولانی خود را با یک کرگدن، برای ببر نقل می کند، ببر تمام هوش و حواسش را متوجه داستان کرده و در پایان قصه می فهمد کرگدن که هنوز هم در کمین «بها» است، حالا قصد دارد تا به خود او حمله کند!

دیدگاه:

داستان نخست، با بهره جستن از طنزی زیبا و درون مایه ای جذاب و داستانی، به خوبی خواننده را به دنبال خود می کشاند. نثر داستان به ویژه در مواردی که از احساساتی شدن ببر به هنگام شنیدن داستان «بها» ناشی می شود، داستان را جذاب تر ساخته است. شخصیت پردازی خوب و حوادث جذاب، از دیگر ویژگی های مثبت داستان است.

داستان دوم این مجموعه درون مایه ای تکراری دارد که طی آن، حیوانی زيرك و ظالم سعی می کند با فریفتن دیگران و بهره برداری از حاصل زحمات آنان زندگی کند، با این تفاوت که برخلاف داستانهای مشابه، عقل و درایت حیوان مظلوم است که موجب خلاصی اش می شود.

به طور کلی با نگاهی به ظاهر داستانها باید گفت که ناشر تصور کرده حجم داستان نخست این مجموعه برای تبدیل شدن به یک کتاب مستقل کم است و سعی کرده به قیمت نفی یکدستی مجموعه، داستان نه چندان قوی دیگری را در کنار آن جای دهد. این کتاب شامل دو داستان است که به وسیله

دو تصویرگر مصور شده اند. نقاشی های داستان «چه خوب، چه بد» بسیار استادانه است، اما طراحی های آن فاقد بداعت بویه و در اولین نگاه، آشنا به نظر می رسند. در نتیجه می توان گفت که این تصویرها با تأثیر پذیری شدید از تصویرگری های اروپایی - آمریکایی انجام شده اند.

تصویرهای داستان دوم «لاک پشت و میمون نادان» از انواع تکراری، غیرخلاق و بدآموز است. تصویرهای این بخش از کتاب، گرچه به وسیله تصویرگری خارجی کار شده اند، شباهت زیادی به تصویرگری های کتابهای «دکاه ای» خودمان دارد.

ساده مثل آسمان

سراینده: محمد کاظم مزیانی، تصویرگر: نیلوفر میرمحمدی، گروه سنی: د و ه، ناشر: نشر رویش، تعداد: ۵۰۰۰ نسخه، ۳۲ صفحه رنگی، ۲۵۰۰ ریال.

چهارده شعر برای چهارده معصوم (ع) در این مجموع گرد آمده است که از پیامبر اکرم (ص) شروع شده و به حضرت قائم امام زمان (عج) خاتمه می یابد. این سروده ها همگی در قالب چهار پاره اند و عبارتند از: آیه آیه آینه، نان و گل، عروس رازیانه ها، و ماه کاسه ای شیر، یک سؤال سرخ، مثل ابرها را، تو خود هفت آسمانی، بوی گل محمدی، زیباترین پرند، بوی کلاب، خواب تَبَر، از رازها لهریز، سلام سبز سرودها

و آه جاندها. در پایان کتاب توضیحاتی دربارهٔ بعضی از اسامی و عبارتها آمده است.

دیدگاه:

آن چه در این کتاب قابل تقدیر است ستایش و یادکرد ائمه اطهار (ع) و چهارده معصوم است و شاید بتوان این مجموعه شعر نوجوان را نخستین اثر مستقل شاعری در مدح این بزرگواران به شمار آورد. کوشش سراینده برای بیان خصوصیات فردی، اجتماعی و سیاسی این پاکان در بعضی از شعرها، زیبا و روشن است، تا حدی که به سادگی و بدون توجه به نام شخصیت مورد نظر که بالای همان صفحه آمده، معلوم می‌شود که شعر برای چه کسی گفته شده است، اما برخی شعرها چنان کلی و تصویری اند که برای هر شخص خوبی می‌توان آنها را مورد استفاده قرار داد. البته ناگفته نماند که شاعر با آورین کلمه‌های خاص و یا اشاره‌های نمادین در رفع این نقیصه کوشیده است، اما مطالعه و توجه بیشتر در آثار و صفات آن بزرگواران، گستردهٔ شعر را محدودتر و اختصاصی‌تر می‌کند. برای مثال، شعر «سلام سبز سروها» که برای امام حسن عسکری (ع) است، می‌خوانیم:

تو از شکاف فصلها/ به ما نگاه می‌کنی/ کویر خشک سینه را/ پر از گیاه می‌کنی
تو می‌وزی چه مهربان/ و ما درخت می‌شویم/ تو اخم می‌کنی و ما/ چو سنگ سخت می‌شویم

و سروها، بلند و سبز/ به تو سلام می‌کنند/ و سبزه‌ها برای تو/ همه قیام می‌کنند
بدون تو نمی‌شود/ در آسمان عقاب شد/ سؤال سخت سنگ را/ نمی‌توان جواب شد
تو کیستی؟ پرنده‌ای/ به روی پشت بام دل/ تو نان و نور دانه‌ای/ به آخرین امام دل

این شعر را اگر با شعر «سلام سبز سروها» که در مجموعه دیگری از شاعر به نام «شعرهای ناتمام» - در همین شماره از پژوهشنامه مورد ارزیابی قرار گرفته

است - مقایسه کنیم، تنها یکی دو تغییر در بندها دیده می‌شود. با جا به جایی برخی کلمات همین شعر را عیناً می‌خوانیم: بندهای تغییر یافته چنین است:

تو می‌وزی و من چه نرم/ چو در گشوده می‌شوم/ تو حرف می‌زنی و من/ چنین سروید، می‌شوم...

تو کیستی؟ پرنده‌ای/ به روی شانه‌های من/ همیشه با منی، تویی/ خدای من، خدای من

علاوه بر این، شتاب برای چاپ مجموعه و احیاناً بی‌توجهی به عوامل ماندگاری اثر، موجب حضور اشکالهای وزنی، معنایی و... شده است.

برای مثال، شعر «زیباترین پرنده» را که هم ایبراد وزنی و هم ضعف تألیف در آن رخنه کرده است، را می‌خوانیم:



بس که بودند سرد و بی احساس
ریسمانی به پای گل بستند
آسمانی‌ترین زمینی را
سالها به بند و غل بستند

لاشخورها در آسمان بودند
همه چار پر از مگس کردند
آه زیباترین پرنده را
پر بریدند و بر قفس کردند

آن کسی که همیشه چشمش را
مثل يك بغض تر، فرو می داد
با سخاوت ز چشمه علمش
تشنه ها را سبوسو می داد

آب را او چه خوب حس می کرد
خاک را او چه خوب می فهمید
او صدای خدا را حتی
از دل سنگ و چوب می فهمید

تصویرهای داخلی و روی جلد این کتاب بسیار جذابند، اما ضعف همیشگی آثار این تصویرگر پر تلاش، یعنی خانم «میرمحمدی» باز هم در آنها مشهود است: پرکویی و ناگزیده گویی. نیلوفر میرمحمدی برای به تصویر کشیدن تصورش دست رد به سینه هیچ عنصری نمی زند و خلاصه جایی برایش پیدا می کند و با شگردی خاص همه چیز را به هم می بافت. او حتی آسمان این کتاب را به ریسمان تصویرگری غیردینی بافته است، اما این مهارت در یکدست سازی عناصر در همه موارد به پاسخی قانع کننده نمی رسد و به ویژه در حوزه کمتر شناخته شده ای مثل «هنردینی» تصویرگر را دچار مشکل می کند. به عنوان مثال، بیننده حداقل انتظاری را که از هنر دینی دارد این است که بخشی از آرامشی را که آن دین بشارت می دهد، در این آثار مشاهده کند و این درست برخلاف کوششی است که خانم میرمحمدی در تصویرگری این کتاب به کار بسته اند: تصویرهای پرتحرک با رنگهای پرتنش. آیا این رنگهای متضاد که عناصری تکه تکه شده و پراکنده را می نمایانند، چیزی از آرامش دینی در خود دارند؟ نست کم به من که چنین احساسی نست نمی دهد.

يك قطعه آسمان

سراینده: احمد زارعی. تصویرگر: کاظم طلاهی. گروه سنی: ج و د. ناشر: کیهان. تعداد: ۱۱۰۰۰ نسخه. ۱۶ صفحه رنگی. ۱۵۰۰ ریال.



يك قطعه آسمان

احمد زارعی
تصویرگر کاظم طلاهی

این کتاب نخستین و به بیانی آخرین مجموعه شعر کوکب و نوجوان مرحوم زارعی است که همزمان با سومین سالگرد درگذشت او، به کوشش «جواد محقق» چاپ و منتشر شده است. تمام یازده شعر مجموعه در قالب چهار پاره سروده شده و عناوین آنها عبارتند از: بهار انقلاب، لنج شکسته، جیک جیک گنجشک، کوچه های جماران، يك قطعه آسمان، صبح روستا، باد خداوند، بانهاك، زعفران زار، باغ قالی و نماز با خورشید. در شعرهای زارعی علاوه بر خدا و مظاهر طبیعی، حضور و تأثیر تحولات اجتماعی و زندگی، آشکارا مشهود است.

ای خدا جان چرا لنج ما باز
بی نفس روی ساحل نشسته
بارها آمده پر ز ماهی
این زمان خالی است و شکسته

ای سفر کرده بر موج دریا
چون نهنگی که بر روی آب است
لنج دریا دلم! باز اکنون
چشمهایت چرا غرق خواب است؟

می‌رسد نان ما از دل آب
دل به دریا بزن، تن بجنیان!
آه ای لنج پیر دلاور
باز رو کن به دریا و توفان

بر سر تپه ماسه نور
می‌نشینند پدر سرد و سنگین
گریه مرد دریا چه تلخ است
در غروب چمن سرد و غمگین

بیدگاه:

در چند شعر این کتاب، آنچه جلب توجه می‌کند، نگاه شاعر به زندگی سخت مردم فقیر و رنج‌دیده است. گاهی پر از احساس و عاطفه که شاعران کودک و نوجوان کمتر به آن پرداخته‌اند:

ای کاش ببوسم ای خداجان!
آن دست زمخت و پهنه بسته
بابا مرد است، مرد کار است
هرگز نشود ز کار خسته

[صبح روستا]

صمیمیت و سادگی روستایی از دیگر ویژگی‌های شعری سراینده است که با ایمان عمیق و اعتقادی راسخ، پیوندی ناگسستنی خورده است:
بارانی از جنس ستاره
از چشم‌هایم ریخت بر خاک
گفتم خداوند! کمک کن
تا که بمانم مومن و پاک

[باد خداوند]

اما آنچه که واژه دریغ و افسوس را بر زبان خواننده جاری می‌کند، فرصت کوتاه شاعر برای سرودن است و قطعاً خواست واقعی شاعر انتشار چنین دفترچه نبوده است. نبود انسجام زبانی و آورین کلماتی محاوره‌ای و فاخر در کنار یکدیگر، نشان می‌دهد که اینها تنها تجربه‌های ابتدایی «احمد زارعی» در این زمینه‌اند؛ او از زاویه‌ای دقیق و درست به تماشای

عرصه شعر کودک نشست‌ه بود و اگر مجالی بیشتر می‌یافت، دریچه‌های تازه‌تری به جهان شعر کودک می‌گشود.

استفاده از عناصر شناخته شده و تکراری مثل: سرو، درخت‌های گرد، خطوط پرپیچ و تاب برای نشان دادن حرکت باد و موج برای نشان دادن دریا، بزرگترین نقطه ضعف مجموعه تصویرهای این کتاب است، اما همین عناصر نیز با شتابزدگی و بی‌انگیزگی بسیار اجرا شده‌اند. صفحه آرایشی کتاب نیز بسیار بد است و به نظر می‌رسد ناشر برای پرهیز از «اسراف» همه فضاهای خالی داخل صفحه‌ها را به نوشته‌ای «مزین» کرده است!

پشتت کوجه‌های ابر

سراینده: عرفان نظر آهاری. تصویرگر: سیاوش نوالفقاریان. گروه سنی: ۵-۸. ناشر: نیستان و خانه روزنامه‌نگاران جوان. تعداد: ۱۰۰۰۰ نسخه. ۳۲ صفحه رنگی. ۲۷۰۰۰ ریال.



نخستین مجموعه شعر سراینده، شامل ۱۲ چهارپاره و ۳ شعر نیمایی است که عنوان برخی از آنها عبارتست از: زیر قولت زدی، پله پله تا خدا، یک پدر بزرگ، بچه محل پروانه‌ها، خدا یعنی...، شعرهای

رد پایش از دلم
رفته تا آن سوی دشت

دیدگاه:

عبور از دنیای کودکی و تماشای تمام زیبایی‌های آن و ورود به دنیای نوجوانی، مهمترین پیام اشعار مجموعه «پشت کوجه‌های ابر» است که با زبانی سرشار از احساس و عاطفه و نگاهی سراسر ایمان و عشق به خدا و طبیعت، بیان شده است. شاعر با بستن ریسمانی از خیال، آسمان و زمین و همه چیز را به هم پیوند می‌زند و همه حوادث را پذیرفتنی جلوه می‌دهد:

همین دیروز يك گنجشك تب کرد
همین دیروز يك پروانه هم مُرد
همین دیروز در ختم پرستو
تمام خنده‌های غنچه پژمُرد

[بچه محلّ پروانه‌ها]

اما اینکه این تصاویر حسی و صمیمی، تا چه اندازه به مفهوم و معنی اصلی نزدیکند، جای تأمل دارد، به ویژه هنگامی که مخاطبان ما نوجوانان هستند و خیال‌انگیزی‌های شاعرانه نباید با دوری از معنی واقعی کلام، تضادی پیدا کند:

خدا یعنی که ماهی ضریب در آب/ خدا یعنی که جمع
بال و پرواز/ خدا یعنی زمین با لحظه‌هایش/ خدا یعنی
که هر چیزی از آغاز

[خدا یعنی...]

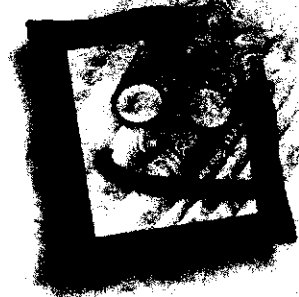
دیشب خدا شعر می‌گفت/ وقتی که آن غنچه باشد/
وقتی که بال پرستو/ با آسمان آشنا شد

[دیشب خدا]

آن طرفها پرنده‌ای پر زد/ بال در بال، آیه نازل شد/ رو
به محراب روشن مهتاب/ يك نماز شکسته کامل شد

[سوره‌های ستاره]

اگر چه زبان مجموعه ساده و صمیمی است، اما به نظر می‌رسد که حال و هوای شعر بزرگسال در آن جاری است و این شاید از ویژگی «نوجوانی» است که



ناتمام، معنی قاصدك، بی بی و بهار و بوی سیب، دعا
و صبح و نور، نگه‌های دوستی و...
در اغلب اشعار این مجموعه، یاد خدا و آیات و
جلوه‌های طبیعی او، بیشترین حضور را دارد. شعر
معنی قاصدك را می‌خوانیم:

قاصدك یعنی سلام
يك سلام آشنا
با خویش می‌آورد
خنده پروانه را

قاصدك یعنی سپید
مثل لبخند خدا
مثل شعر نرم برف
بی صدای بی صدا

قاصدك یعنی خبر
از کسی در آسمان
نامه‌ای از دست ابر
از دل رنگین کمان

قاصدك یعنی که باد
خسته از اینجا گذشت

دم‌نستی‌ترین عناصر تصویری، مثل: قاب عکس، عصا، ماه، پروانه، گل لاله و غیره استفاده شده است که دیگر جذابیت تصویری خود را از دست داده‌اند. رنگ آمیزی تصویرهای این کتاب چشم‌نواز است و آقای نوالفقاریان در به کارگیری آنها، دچار وسوسه خیره کردن چشم بیننده نشده است.

شعرهای ناتمام

سراینده: محمدکاظم مزینانی. تصویرگر: اکبر نیکان پور. گروه سنی: ۵-۱۰. ناشر: حوزه هنری. تعداد: ۲۳۰۰ نسخه. ۳۹ صفحه. ۹۰۰ ریال.

این کتاب از ده شعر در قالبهای چهارپاره (شعر ناتمام، بغض ترش انار، از تاك تا خاک، نماز بلند درخت‌ها، پرندۀ فال، سلام سبز سروها، اسب‌ها این اسب‌ها، بازی و ناز و نیاز، آینه‌های قناس) و غزل (خواب شیرین توت‌ها) تشکیل شده که همگی حال و هوای خاص خود را دارند و با استفاده از عناصر طبیعی از تنوع موضوعی برخوردارند. تنها غزل این مجموعه را می‌خوانیم.

شعرهای ناتمام ...



شاعر: محمد کاظم مزینانی
نقاش: آرم نیکانپور

جوی‌های تشنه و آب زلال.
خواب شیرین و بلند توت کال.
آسمان: آینه، خاک: آینه‌تر؛
هر دو آینه پر از تصویر بال

عرصۀ جدیدی را برای ابراز احساسات و اندیشه‌های خود طلب می‌کند و هنوز معیار و اسلوب صحیح و دقیق علمی برای آن نوشته نشده است و هر کس به وسع خویش گامی در پیشبرد ادبیات نوجوان برمی‌دارد.

به هر حال، تلاشهای شاعر برای ارائه کاری در خور و شایسته، قابل تقدیر است و می‌توان از این مجموعه به عنوان اثری خواندنی نام برد.

این روزها، کاغذهای به اصطلاح «ابرو باد» که به منظور خوشنویسی بر روی آنها تولید شده و به مقدار وسیع در خرازی‌ها و نوشت‌افزارفروشی‌ها یافت می‌شوند، فروش خوبی دارند. از این کاغذها که به شکلهای اتفاقی تجمع و پراکندگی رنگها در سطح کاغذ منقوش است، از مدت‌ها قبل به عنوان زمینه خوشنویسی استفاده می‌شده است، اما استفاده از آنها به عنوان زمینه آثار نقاشی تا همین چند سال اخیر معمول نبود تا اینکه جویندگان شتابزده «هویت قومی» ناگهان آن را کشف کردند و به یک نوع «هویت فوری» دست یافتند، به نحوی که در بررسی تصویرهای کتابهای این فصل به دو نمونه از این دست برمی‌خوریم.

تصویرهای کتاب «پشت کوجه‌های ابر» هم که دوست گرامی آقای «نوالفقاریان» آنها را نقاشی کرده‌اند، بر روی همین نوع کاغذها اجرا شده‌اند. ایشانان طرحهای خود را با «ابر برآش» - که در واقع نوعی رنگ‌پاش ظریف است و به وسیله پمپ باد کار می‌کند - اجرا کرده‌اند که ظاهری پیراسته (بهتر است بگوییم اطو کشیده)، صیقلی و بدون بافت به تصویر می‌دهد. تلاش ایشان برای حجیم‌نمایی اشیا - مثل قاب عکس شعر «یک پدر بزرگ» - و تضاد به وجود آمده بین این اشیا حجیم و نقوش مسطح و بدون حجم زمینه آنها که از شکلهای اتفاقی کاغذ ابر و باد به دست آمده است، سؤال برانگیز است و بیننده معنای این تضاد را درک نمی‌کند.

تصویرها بیش از حد ساده‌اند و در آنها از

سروها؛ آزاد مثل يك جواب؛
 بیدها؛ در خویش مثل يك سؤال!
 چینه‌ها؛ کوتاهتر از لحظه‌ها،
 لحظه‌ها؛ چون کوزه‌هایی از سفال.
 من هم آن کوه بلندم؛ سر به ابر
 رازها در سینه اما لال لال.

بهدگاه:

مجموعه حاضر دارای همان ویژگی‌هایی است که پیش از این در آثار مزینانی مشاهده می‌شد. مضمونهای تازه با تگاهی کویکانه و زبانی ساده و فانتزی که گاهی نیز به محاوره نزدیک می‌شود؛ با حضور کلماتی غیرشاعرانه و البته غیرتکراری:

می‌توان يك عمر، گل را
 شاعرانه، شعرها گفت
 می‌توان با گربه‌ها نیز
 با ادب بود و «شما» گفت

می‌توان با سبزه‌ها داشت
 پیک نیکی شاعرانه
 مثل گنجشکی شد و کرد
 جیک جیکی شاعرانه

[شعرهای ناتمام]

گاهی در میان تصاویر شاعرانه، خیالهایی نمود می‌یابد که زیباست، اما معنی و مفهومی منطقی را به خواننده نمی‌رساند. گویی واژه‌هایی زیبا و تازه، بدون ارتباطی منظم و معنوی در کنار هم چیده شده‌اند و تنها پیام آنها ارائه تصویری زیباست.
 دریا صدایم زد/ خود را به من آویخت/ راز عمیقش
 را/ چون موج در من ریخت.

[بخش ترش انار]

یک خوشه انگورم، رسیده/ از خورگی هم‌در تاکم/
 ترکیده، شیرین، تُرد، سنگین/ در حال افتادن به خاکم
 [از تانک تا خاک]
 ایرادهای وزنی نیز چون همیشه گریبانگیر آثار

سراینده شده است. برای مثال دو بند آخر شعر «پرندهٔ فال» اگر چه تضمینی از شعر حافظ است، اما خارج از وزن چهارپاره سروده شده است. از طرز نگارش شعر معلوم است که شاعر می‌خواست به بر قالب چهارپاره، ادبیات تضمین را برگزیند، اما خروج از وزن قابل تأمل است:

چه حرفها، چه رازهاست/ میان آن نك كه بود؟/ پرنده،
 ای پرنده جان/ بگو كه فال او چه بود!

پرنده لحظه‌ای به من/ نگاه کرد و خیره ماند/ و بعد،
 خسته و غریب/ بلند خواند و خواند و خواند:

«سرو چمان من چرا/ میل چمن نمی‌کند؟/ همدم گل
 نمی‌شود/ یاد سمن نمی‌کند

تا دل هرزه گرد من/ رقت به چین زلف او/ زان سفر
 دراز خود/ عزم وطن نمی‌کند...

البته ناهمگونی زبانی و جدا شدن از اصول قافیه‌بندی خاص چهارپاره را - در بند آخر - هم باید به موارد فوق افزود. به هر حال، «شعرهای ناتمام» به راستی ناتمام است و کشفهای شاعرانهٔ آن نارسیده به بلوغ و کمال خود، چیده شده‌اند و ژرفای مفهوم و معنی در برابر حضور واژه‌ها و تصاویر تازه، از دست رفته است.

تصویرهای این کتاب شوری در بیننده بر نمی‌انگیزند، شاید به این دلیل که تصویرگر آن آقای «نیکان پور» که با شیوه‌ای مشابه تصویرهای این کتاب آثار بسیار بهتری را به وجود آورده‌اند، شوری برای به تصویر کشیدن آنها نداشته است. به این جهت، این تصویرها به لحاظ طراحی فاقد تازگی و یکسستی لازم‌اند.

به عنوان مثال، تصویر اسب در روی جلد با تصویر اندام پسرکی که سر او را در آغوش گرفته است، همخوانی نداشته و گویی از دو دنیای متفاوت‌اند. این ناهماهنگی در تصویرهای داخلی که با انگیزه بسیار کمتری اجرا شده‌اند، بیشتر می‌شود. تصویر عقاب صفحه ۲۹ بارزترین نمونهٔ این ناهمگونی‌هاست.

قصه پلنگ سفید

نویسنده: سیدمهدی شجاعی. تصویرگر: کبری ابراهیمی. ویراستار: شراره وظیفه شناس. گروه سنی: ۳ تا ۷ ساله. ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. تعداد: ۲۰۰۰۰ نسخه. ۲۸ صفحه رنگی. ۱۷۰۰ ریال.

پلنگی که از وحشی‌گری هموعان خود خسته شده است، تصمیم می‌گیرد به میان انسانها رفته و در کنار آنها با صلح و آرامش زندگی کند، اما نخستین انسان سعی می‌کند از او برای نمایش استفاده کند و نفر دوم قصد دارد او را بکشد و پوستش را به فروش برساند. پلنگ پس از این برخوردها از نویسنده داستان زندگی خود می‌خواهد که وی را به موطن خودش بازگرداند. نویسنده پس از قانع کردن پلنگ، او را به سوی پیرمرد قصه‌گو می‌فرستد.

خویش را تجربه می‌کند. مهمترین ویژگی این کتاب، علاوه بر پایانی متفاوت و شیرین، وارد ساختن نویسنده داستان به سیر داستان است که پیش از این، بیشتر در ادبیات بزرگسالان شاهد نمونه‌هایی از آن بوده‌ایم.

در مقایسه با دیگر داستانهای یاد شده، گفتنی است که نویسنده کتاب با وجود ملامت کردن قضاوت عجولانه پلنگ، ماهرانه از پاسخ مستقیم در خصوص باور پلنگ‌شانه خالی می‌کند و او را به دامان محیطی آرام می‌کشاند. نویسنده همچنین به عمد از پاسخ دادن به این سؤال که بالاخره تکلیف یک موجود با طبیعت خویش چه می‌شود؟ پرهیز کرده است.

در مجموع، این کتاب شروعی آرام و ساده دارد و به خوبی اوج می‌گیرد و به پایانی شیرین می‌رسد. شخصیت‌های داستان و حوادث آن خوب پرداخت شده‌اند. مهمترین مشکل داستان به تعیین گروه سنی آن بازمی‌گردد. ناشر، گروه سنی داستان را «۳-۷» تعیین کرده است، در حالی که جدا از حجم داستان و قطع و ساخته کتاب، به دلیل آشکار بودن حوادث داستان و سرعتشان، بیشتر برای گروه سنی «الف-ب» و حداکثر «ج» مناسب به نظر می‌رسد. ناشر داستان ساده و روان و یکدست است.

در این کتاب، با تصویرهایی رو به رو می‌شویم که به خاطر پافشاری تصویرگر به ارائه نگاهی ویژه، به تصاویری آشنا تبدیل شده‌اند.

خانم «کبری ابراهیمی» کتابهای متعددی را با نگاهی یکسان تصویر کرده‌اند، در این تصاویر، اشیا به نحوی ترسیم می‌شوند که گویی بیننده از فرازشان به آنها نگاه می‌کند. طبیعی است که پافشاری تصویرگر بر این نوع نگاه برای بیننده این سؤال را مطرح می‌کند که چرا این تصویرگر به این نوع نگاه اصرار می‌ورزد و به چه دلیل همه امکاناتی را که زوایای دیگر در اختیارش قرار می‌دهند، از خود سلب می‌کند. برای پاسخ به این سؤال باید به دغدغه‌های یک تصویرگر برای «شخصی کردن» آثارش بپردازیم. تصویرگر این

قصه پلنگ سفید



نویسنده: سیدمهدی شجاعی
تصویرگر: کبری ابراهیمی

دیدگاه:

پیش از این در قصه‌های «خرسی که می‌خواست خرس بماند»، «ببری که می‌خواست گربه باشد» و «لافکادیو» با مضمونی مشابه این داستان رو به رو بوده‌ایم؛ داستانهایی که در آنها حیوانی وحشی؛ به نوعی زیستن در کنار انسانها، و جدا شدن از طبیعت

تصویرگر نیست، بلکه به معنای ارائه تفسیری منسجم از اشیا و پدیده‌هاست و تازمانی که نقاشی یا تصویرگر به چنین تفسیری دست نیافته باشد، تصاویر او به هر تقدیر متشتت خواهند بود.

اما اگر تصویرگر خوب ما خانم کبری ابراهیمی با معیارهایی که در قسمت اول و دوم گفته شد به ارائه راه‌حل تصویری خود رسیده باشند، باید گفت که پیش‌فرض نامناسبی را برگزیده‌اند. چرا که در مورد اول، تصاویر سنتی از بالا ترسیم نمی‌شدند، بلکه نقطه دید تصویرگر بنا به مقتضیات تصویر تغییر می‌کرد و در مورد دوم، ارائه یکی - دو تصویر بایدهی مشابه، جذابیت این نوع نگاه را از بین برده و آن را فاقد بداعت می‌کند.

در مورد کتاب «قصه پلنگ سفید» باید گفت که تصویرهای این کتاب از جا افتاده‌ترین اجراهای خانم ابراهیمی است. بگذارید این واقعه را به فال نیک بگیریم و منتظر باشیم تا ایشان ما را از دیگر انواع تصویرهای خود محروم نکنند.

کلاغه به خونه‌اش رسید

نویسنده: شکوه قاسم نیا. تصویرگر: نوشین پژوهش. گروه سنی: الف - ب. ناشر: دوست. تعداد: ۱۰۰۰ نسخه. ۲۰ صفحه رنگی. ۲۰۰۰ ریال.

بچه کلاغی، یکبار به بیمار می‌شود و کلاغ با شکی طیبیب برای درمان او پنیر تجویز می‌کند، اما تهیه پنیر کار چندان آسانی نیست. کلاغ مادر، سعی می‌کند به خیلی جاها سر بزند و برای یافتن پنیر به زحمت زیادی دچار می‌شود. سرانجام خسته و پرسوخته به خانه بازمی‌گردد، ولی خوشحال است که حال فرزندش با خوردن پنیر بهبود خواهد یافت.

بهدگاه:

این داستان، نمونه‌ای شیرین از افسانه‌هایی است که با شیوهٔ «تکرار یک صحنه» نوشته شده‌اند، ولی مضمونی تازه و بکر دارند. بندهای داستان به شکل

مجموعه احتمالاً به یکی از سه دلیل ذیل این زاویه دید را انتخاب کرده است:

۱. تصوّر کرده است که «نگاه از بالا» تصویرهایش را به تصویرهای سنتی ایران، که در آنها گویی اشیا از بالا ترسیم شده‌اند، نزدیک کرده و در نتیجه بیننده ارتباط این تصاویر با «سنت تصویرگری ایران» را درک کرده و آن را هویت‌مند خواهد یافت.

۲. اشیا را به نحوی به بیننده نشان می‌دهد که امکان تجربهٔ شخصی در آن برای بیننده وجود ندارد و در نتیجه آنها را بدیع خواهد یافت.

۳. این نوع نگاه، تصویرهای ارائه شدهٔ او را «شخصی» کرده است به نحوی که این نوع «نگاه» پس از مدتی به نام او ثبت خواهد شد.

اما از سه دلیل فوق، به نظر می‌رسد که تنها دلیل سوم به عینیت تبدیل می‌شود، چرا که هر کس با اصرار به انجام کاری خاص، انگشت نما خواهد شد. این نوع «شخصی سازی» نزد کاریکاتورست‌های ما بسیار رایج است، به نحوی که اکثر آنها سعی می‌کنند نوعی تصویر خاص را در کارهایشان تکرار کنند تا این تصویر که می‌تواند حیوان، آدم یا یک شیء باشد، به شخصیت کار آنها تبدیل شود. به این ترتیب، تصویرهایی تولید می‌شوند که «شهر» شخصیتی خاص را بر پیشانی دارند، اما برای بیننده این سؤال مطرح می‌شود که آیا «نگاه» تصویرگر به اشیا نیز به اندازه تصویرش شخصی است؟ با تصویرهایی که به لحاظ عناصر بصری دارای وحدتند، اما به لحاظ مبانی عقلی و نظری دارای مضمونی دوگانه‌اند، چه می‌شود کرد؟ تصویرهایی که روزی رئالیستی، و روز دیگر سوررئالیستی، یا دینی یا آناشسیستی‌اند، چه باید کرد؟ در این صورت ما در عمل تصاویری را ارائه کرده‌ایم که تنها در بدوین صورت، نه لایهٔ خود منسجم و شخصی‌اند، اما قادر به پوشاندن تشتت فکری تصویرگر خود نیستند.

در این صورت باید پذیرفت که یکدستی عناصر بصری تنها به معنای ثابت نگاه داشتن نقطه دید

منظم تکرار می‌شوند و درست مثل يك «ترجیح بند» به جذابیت داستان و تأثیر بیشتر آن بر کودکان کمک می‌کنند. البته یکدستی نثر در ابتدای داستان خیلی دقیق تر از فرازهای پایانی آن است.

حرکت داستان آنچنان نرم و لطیف است که حرکت کلاغ مادر برای به دست آوردن پنیر و رویارویی او با انسانهای مختلف، به کسالت خواننده نمی‌انجامد و به شکلی است که تمام حوادث، تأثیری واحد بر ذهن مخاطب می‌گذارد. گره داستانی نیز به شکلی طبیعی در حرکت هدفدار کلاغ، باز می‌شود. به ویژه آنکه در پایان، نقش کلاغ مادر به ایجاد ارتباط میان مردم محدود نمی‌شود، چرا که او مادری فداکار است که به خاطر این خصلتش حتی بخشی از بالش می‌سوزد. این حرکت در عین مثبت بودن، دارای بار ارزشی قابل قبولی است که فداکاری مادر را برای نجات جان فرزندش به تصویر می‌کشد. فضای ساده و صمیمی روستا و استفاده نویسنده از عناصر طبیعی و واقعی (مانند استفاده از بالهای کلاغ برای باد زدن تنور) بر جذابیت کار افزوده است. در زمینه شخصیت‌پردازیها، نویسنده از عهده توجیه علت سر نزن چند روزه «برادر خاله منیر» به او، برنیامده است، اما این ضعف تأثیر خاصی بر روند داستان نمی‌گذارد.

کلاغه به خانه اش رسید



نویسنده: نگاره‌ها
تصویرگر: زینب زینب

افزون بر آنچه گفته شد، داستان دارای تأثیر آموزشی است، چرا که کودک در تعقیب حوادث آن، با مراحل ساخت پنیر نیز آشنا می‌شود. به هر حال، این کتاب بیشتر برای گروه سنی الف - ب مناسب است، نه گروه سنی ب - ج که ناشر در صفحه عنوان به آن اشاره کرده است.

تصویرگر این کتاب درک قابل قبولی از «کلاغ» دارد و سادگی و قابل تشخیص بودن شکل‌هایش برای گروه سنی زیر دبستان مناسب به نظر می‌رسند، اما تأسیس به شکل‌های بدیع، چندپله فاصله دارند. اولین کوشش خانم «پژوهش» برای تصویرگری است. با چنین آغازی، پیمودن چند پله دیگر کار دشواری به نظر نمی‌رسد.

با اجازه بهار

سراینده: آتوسا صالحی. تصویرگر: مهنوش مشیری. گروه سنی: د و ه. ناشر: نشر نقطه. تعداد: ۵۵۰ نسخه. ۴۸ صفحه. ۱۵۰۰ ریال.

پانزده شعر این مجموعه در قالب‌های نو نیمایی (عموزنجیرباغ، ناودان قصه می‌گفت، امتحان، خانه، برگه از خاطرات درخت)، مثنوی (باغچه) و چهارپاره (ابرهایت را به کوهستان بخش!)، فصل خنده‌ها، بهار قالی، روی ماسه‌ها روی موج‌ها، یک امید یک بهار، ابرهای مخملی، جاده‌ای به سوی گنبد کبود، دنیا: درخت پیر، به هر کجا و به هر سو سروده شده‌اند. اغلب اشعار چنان که از نام آنها پیداست، تأثیر گرفته از طبیعت و کودکی هستند و زبانی ساده و فاخر دارند. ابیاتی از مثنوی باغچه را به عنوان نمونه می‌آوریم:

باغچه دلش گرفت
از کلوخهای سفت

مثل يك درخت زرد
كوجوچه را نگاه كرد

روى پشت بامها
بادهاي آشنا

روى پله، پشت در
بازي كلاغ پر

يك كبوتر سفيد
سوي آسمان پريد

با شتاب گشت و گشت
از پرنده‌ها گذشت

ديدگاه:

«با اجازه بهار» نگاهی تازه و صمیمی به نوره نوجوانی است. شاعر سعی کرده علاوه بر سادگی و تازگی مضمونها به ابتکارهای دیگری در قالب و حتی وزن دست بزند و مطالب دیگر گونه‌ای از آنچه تاکنون در این زمینه ارائه شده بیافزیند. مفاهیم اجتماعی و شعار گونه کمتر فرصت بروز یافته و جای خود را به تصاویر کودکانه و طبیعی داده‌اند که ریشه در بازیهای بچه‌ها و برخی افسانه‌ها دارد. به غیر از مواردی نادر، زبان در تمام مجموعه انسجام و یکدستی خوبی دارد و خواننده به راحتی به اندیشه‌های شاعر دست می‌یابد و به مفهوم و معنی شعر می‌رسد:

در حیاط / دایره‌ای می‌زنیم / دست تو در دست من /
بعدهم / چرخش من / چرخش تو / آسمان / برگها

[عموزنجیر باف]

خنده‌هایت را رها کن روی موج / چشم‌هایت را ببر
سوی بهار / دانه‌ای بگذار در دست زمین / پای هر دیوار
یک پیچک بکار!

[ابره‌ایت را به کوهستان ببخش]

استفاده از وزنهای شعر نیمایی برای بیان مطالب

تازه و روایی، از دیگر ویژگی‌های این مجموعه است که شاعر در آوردن آن موفق بوده و توانسته است مجموعه‌ای دلچسب و خواندنی برای مخاطبان فراهم آورد. بخش اول «برگی از خاطرات درخت» را می‌خوانید:

روى دیوار کوتاه

رو به روی درختی که تنه‌اترین یادگار است

می‌نشینیم

آن طرفتر

باد دارد قدم می‌زند

دفتر خاطرات درخت

پیش رویش

برگها را ورق می‌زند:

«آخرین لحظه‌های بهار است.»

پشت يك شاخه از ترس لرزید.

روى جلد این کتاب بسیار زیبا و جذاب است و صفحه‌آرایی خوب آن همراه با اجرای استادانه تصویر روی جلد، حکایت از نوعی پختگی می‌کند که نیازمند سالها تجربه حرفه‌ای است و البته استاد ارجمند «خانم مشیری» این پختگی را کسب کرده‌اند، اما تصویرهای داخل کتاب با آثاری که تا به حال از خانم مشیری دیده بودیم تفاوت زیادی دارند. ایشان در به کار گیری شکل‌های تزئینی هیچ‌گاه تا این اندازه «سخت‌و‌تمندانه» رفتار نکرده بودند و به همین دلیل بیننده‌ای که با آثار ایشان آشناست، معنای این چرخش ناگهانی را درک نمی‌کند.

البته هر هنرمندی مجاز است آزمایش‌هایی به منظور برنامه ریزی حرکت‌های آتی خود انجام دهد، در این صورت باید منتظر باشیم و ببینیم که استاد ارجمند ما از این آزمایش چه نتیجه‌ای می‌گیرند. با این وجود، به نظر می‌رسد شکل‌هایی که خانم مشیری طی سالها پرورده‌اند، هراز گاهی از میان شکل‌های تزئینی این کتاب سرک کشیده و به یکدستی تصویر لطمه زده‌اند. درخت تصویر شده در صفحه ۴۷ یکی از این عناصر است.

کتابهای پاییز ۷۶ از نگاه آمار

۱. کیفیت آثار

شایسته معرفی	عدم معرفی	کیفیت تعداد
۱۴	۳۸	فراوانی
۲۷	۷۳	درصد

۲. گروه سنی

۵-۷	۷	۷-۸	۸	۸-۹	۹	۱۰-۱۱	۱۱	گروه سنی تعداد
۵	۹	۸	۹	۲	۱	۱۷	۱	فراوانی
۱۰	۱۷	۱۵	۱۷	۴	۲	۳۳	۲	درصد

۳. وضعیت تألیف و ترجمه

ترجمه	تألیف و اقتباس	نوع اثر تعداد
۱۶	۳۶	فراوانی
۳۱	۶۹	درصد

۴. قالبهای آثار

درصد	تعداد	فراوانی قالب
—	—	تصویری
۴۲	۲۲	داستان کوتاه
۱۹	۱۰	داستان مجموعه
۴	۲	داستان بلند
۱۵	۸	داستان رمان
—	—	شعر بلند
۱۹	۱۰	شعر مجموعه
—	—	شعر قصه منظوم
—	—	سفرنامه
—	—	فیلمنامه
—	—	نثر ادبی
—	—	نمایشنامه

۵. قطع کتابها

درصد	تعداد	فراوانی	
		قطع	
۲	۱	رحلی	
۲	۲۲	بزرگ	خشتی
۴۲	—	متوسط	
—	—	کوچک	
۸	۴	وزیری	
۳۱	۱۶	رقعی	
۱۵	۸	پالتویی	
—	—	جیبی	
۲	۱	بیاضی	

۶. پرکارترین نویسنده: علی آقا غفار با چهار اثر و شکوه قاسم تیا، حسین احمدی و جعفر ابراهیمی (شاهد) هر کدام با دو اثر.

۷. پرکارترین مترجم: بیژن نامجو، رضا رهگنر و مجید عمیق هر کدام با دو اثر.

۸. پرکارترین ویراستار: محمدباقر شمس پور با هفت اثر، حسین یوسفی با سه اثر.

۹. پرکارترین تصویرگر: م. مهاجر با چهار اثر، محمدحسین کارگر شریف با سه اثر.

۱۰. پرکارترین ناشر

تعداد عنوان	نام مؤسسه انتشاراتی
۱۰	کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه و حوزه هنری
۴	قدیانی و پیدایش
۳	چشمه، سروش و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

۱۱. مجموع تیراژ کتابها: ۵۳۲۷۳۰ جلد، میانگین تیراژ برای هر کتاب حدود ۱۰۲۴۴ جلد.

۱۲. مجموع صفحات کتابها: ۲۴۰۰ صفحه، میانگین تعداد صفحه برای هر کتاب حدود ۴۶ صفحه.

۱۳. مجموع بهای کتابها: ۹۳۹۰۰ ریال، میانگین بها برای هر کتاب حدود ۱۸۰۲ ریال.

*** نکته**

در این نوره کتابشناسی، که عنوان از عناوین بررسی شده متعلق به «کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه و ۳۶ هزار شهید استان تهران» بود. بی‌تردید چاپ کتابهایی که بُرشی از زندگی سرداران سپاه را به شکل قصه برای کودکان عرضه دارد و یا در تلاش است شرح حال آنها را به رمانی خواندنی برای نوجوانان تبدیل کند، با ارزش است. این سرداران جدا از حقی که برگردن تک تک احاد این ملت دارند، الگوهایی شفاف از پرورش یافتگان مکتب حضرت امام خمینی (ره) محسوب می‌شوند که اگر به شکلی مناسب معرفی شوند، قادرند نسل نوجوان کشور را به سمت آرمانهای اصیل اسلام راهنمایی کنند.

اما مشکل اصلی از همین «اگر بزرگ» آغاز می‌شود. شورای کتابشناسی پس از بررسی تنها همین تعداد عناوین - که تمام آنها نیست - می‌تواند ادعا کند که این اقدام بسیار شتابزده و بدون تحقیق کافی در زندگی سرداران مورد نظر آغاز و متأسفانه با همان شتابزدگی نیز پایان گرفته است. مهمترین دلایل این شورا به شرح زیر است:

۱. خاطره‌هایی که دستمایه تهیه داستانها شده‌اند، درونمایه‌هایی چندان قوی ندارند و اغلب قابلیت تبدیل شدن به داستان را ندارند.

۲. پرداخت حوادث داستان چندان دقیق نیست که خواننده را با خود همراه سازد. به عنوان مثال نه تنها از محیط وقوع حوادث چندان اطلاع دقیقی وجود ندارد، بلکه حتی زمینه سازی لازم نیز برای رخدادها انجام نپذیرفته است.

۳. پرداخت شخصیت‌های داستان به گونه‌ای است که تمام آنها در همه داستانها به شدت شبیه به هم هستند و از حالت تیپ به شخصیت تبدیل نشده و «خاص» و «منحصر به فرد» نگردیده‌اند. به عبارت دیگر از نگاه داستان نویس پیشاپیش می‌توان واکنش آنها را در مقابل مشکلات تعیین کرد و یا حدس زد.

۴. دایره همکاری افراد در این تلاش - لااقل براساس همین تعداد عناوین - بسیار محدود بوده است. به عنوان مثال، چهار اثر از این مجموعه توسط یک نفر نگارش یافته است.

در پایان گفتنی است که اگر چه کارهای سفارشی - در مقابل کارهای جوششی - معمولاً از سطح چندان بالایی به لحاظ هنری برخوردار نیستند، اما شاید همین اقدام اگر به افرادی مجربتر سفارش داده می‌شد و همچنین فرصت کافی جهت بررسی زندگینامه سرداران و تألیف آثار داستانی از آنها در دست بود، آثاری ماندنی‌تر در میان کتابهای کودک و نوجوان کشور پدید می‌آمد، نه اینکه کتابهایی چون شهاب یکباره طلوع کنند و پس از یک چاپ آن هم در تیراژی بسیار محدود به خاموشی و فراموشی گرفتار آیند.

ماجراهای ننه روباه و قرمزی

نویسنده: تورنتون وی. بورگیس. مترجم: مجید عمیق. طراح جلد: کاظم طلائی. گروه سنی: ج. ناشر: ریحان. تعداد: ۵۰۰ نسخه. ۷۲ صفحه. ۲۰۰۰ ریال.

ماجراهای ننه روباه و قرمزی

مجموعه داستانهای نوجوان



«قدر زر زرگر شناسد، قدر گوهر گوهری». [ص ۵]
 «وقتی در انتخاب یکی از دو راه تردید داری، بهترین
 کار این است که محکم سر جاییت بایستی». [ص ۸]
 «گاهی نظر دیگران درباره ما همان چیزی نیست که
 ما درباره خود فکر می‌کنیم». [ص ۱۰]
 اشاره به این عبارتها و نیز انتخاب عنوانهای
 افشاگر سرانجام ماجراها، از جذابیت داستانها
 می‌کاهد. برای نمونه به این عنوان توجه کنید:

«قرمزی برای ننه روباه خبر می‌آورد». [ص ۵]
 «ننه روباه و قرمزی به شکار می‌روند». [ص ۸]
 «قرمزی یقین دارد که ننه روباه عقلش را از دست
 داده است». [ص ۱۰]

نویسنده گرچه در پرداخت شخصیت ننه روباه و
 قرمزی موفق است، ولی این موفقیت به سایر
 شخصیتها تعمیم پیدا نمی‌کند. به عنوان مثال،
 کرگ، بدون زمینه وارد داستان شده و بدون زمینه نیز از
 آن خارج می‌شود.

✎ برای این کتاب تصویری در نظر گرفته نشده
 و ناشر به یک روی جلد اکتفا کرده است. این روی جلد
 دارای جذابیتی تجاری است، اما بیشتر به یک اثر
 ژورنالیستی شباهت دارد. به کارگیری رنگهای متضاد
 گرم - براندام نور روباه - با فضای سرد اطراف آنها به
 جذابیت روی جلد کمک کرده است.

گر به ای که می‌خواست خانگی شود

نویسنده: چمن نایر. مترجم: رضا رهگذر.
 تصویرگر: فئودور روجانکوسکی. گروه سنی: الف و
 ب. ناشر: حوزه هنری. تعداد: ۱۱۰۰۰ نسخه.
 ۳۲ صفحه رنگی. ۲۷۰۰ ریال.

گر به ای خیابانی به زندگی گر به ای خانگی حسرت
 می‌برد. او می‌کوشد به خانواده‌ای بپیوندد که گر به ای
 خانگی دارند، اما موفق نمی‌شود. سرانجام ساکنان
 خانه، آن را تخلیه می‌کنند و خانواده جدید، گر به
 خیابانی را به عنوان گر به خانگی می‌پذیرد.

روباهی پیر به نام «ننه روباه» با فرزندش «قرمزی» در
 چمنزاری زندگی می‌کند. با فرارسیدن زمستان، آنها با
 کمبود غذا روبه‌رو می‌شوند. ننه روباه سعی دارد
 قرمزی را با راه و رسم شکار به ویژه در این فصل،
 آشنا کند. قرمزی به حرفها و نقشه‌های مادرش
 اطمینان ندارد و همیشه سعی دارد از نزدیک‌ترین راه
 خود را به مقصد برساند. تجربه‌های ناموفق قرمزی در
 کنار موفقیت‌های ننه روباه، قرمزی را پخته‌تر کرده و
 بر صبر و تحمل او می‌افزاید. سرانجام، قرمزی
 شکارچی ماهری می‌شود.

دیدگاه:

داستان دنبال‌دار ننه روباه و قرمزی در واقع
 مجموعه‌ای از قصه‌های اخلاقی است. درونمایه
 داستان گرسنگی و فرارسیدن فصل سرما است.
 طراحی داستان که بر اساس درگیری قهرمانان آن با
 شخصیتها و موقعیت‌های مختلف صورت گرفته،
 خواننده را به دنبال خود می‌کشد.

آنچه در این مجموعه بیش از دیگر موارد به چشم
 می‌خورد، از این شاخه به آن شاخه پریدن نویسنده
 است. حوادثی که شاید به تنهایی بتواند داستان
 مستقلی را بسازند، به راحتی پشت سر گذاشته
 می‌شوند و پرداختی محکم بر اساس آنها صورت
 نمی‌گیرد. به عنوان مثال به درگیری ننه روباه با پسر
 مزرعه‌دار و سگش و درگیری آنها با کرگ و حتی
 موضوع پیر شدن ننه روباه، با شتاب اشاره شده و به
 همان سرعت نیز خاتمه داده می‌شود.

مشکل دیگر داستان، نحوه شخصیت‌پردازی ننه
 روباه است. او به جای اینکه روباهی با تجربه باشد،
 در واقع انسانی است دارای فلسفه‌ای خاص در
 زندگی. سخنان نصیحت آمیز او در سراسر کتاب، نه
 تنها زیاد و بی‌جاست، بلکه با شخصیت او به عنوان
 یک روباه همخوانی ندارد. به عنوان مثال، به موارد زیر
 که در ابتدای فصلهای نخست کتاب آمده و همه آنها
 به ننه روباه نسبت داده شده است، توجه کنید:



فرهنگی داستان و فرهنگ ما بر می‌گردد. در فرهنگ ما، نگهداری و خانگی کردن گربه چندان جایی برای طرح ندارد و حتی در نگاهی سنتی، گربه نشانه‌ای از بی‌صفتی است. براین اساس، مقبول‌تر بود که مترجم این قصه را بازا آفرینی و با فرهنگ ایرانی همسازتر می‌کرد.

در بارهٔ نثر داستان پاره‌ای ابراهام به چشم می‌آید. به عنوان مثال در صفحه ۱۵ بهتر بود به جای واژه «قایم» از کلمه «پنهان» استفاده می‌شد و در صفحه ۲۲ به جای کلمه «وانمود» که غیر داستانی است واژه دیگری جایگزین می‌شد. در ضمن ترکیب جملهٔ زیر، فارسی به نظر نمی‌رسد:

«این هم گربه بیرونی زرنگی که می‌رود تا یک گربهٔ خانگی شود!» [ص ۲۲]

تصویرهای این کتاب، اجرایی قدرتمندانه دارند، اما کهنه و تکراری به نظر می‌رسند. تصویرسازی به شیوه مشابه تصویرهای این کتاب در دهه‌های پنجاه و شصت میلادی در اروپا و امریکا رایج بودند و تکنیسین‌های هنری بسیاری این شیوه اجرا را آموختند و توانایی اجرایی خود را در معرض فروش گذاشتند. تصویرهای این کتاب نیز محصول فعالیت یکی از این تکنیسین‌هاست.

جادهٔ اشک

نویسنده: سارا اچ بنکس. مترجم: مجید عمیق. تصویرگر: بریجیتا سافلوند. طراح جلد: رامین مشرف. ویراستار: مینو کریم‌زاده، گروه سنی: ۵-۸. ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. تعداد: ۱۵۰۰۰ نسخه، ۱۰۸ صفحه، ۲۲۰۰ ریال.

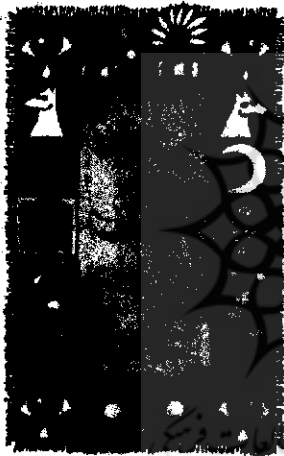
«آنی» در یازده سالگی همراه دایی خود «ویلیام» زادگاهش را ترک می‌کند تا به شهر نیواکوتا محل زندگی سرخپوستان «چرویتی» برود. در آنجا آنی با زندگی شهری آشنا شده و به مدرسه می‌رود. زندگی در شهر، آنی را با وضعیت بردگان سیاه پوست و فشارهای سفید پوستان برای بیرون راندن سیاهان از

دیدگاه:

با طرح رقابت بین دو گربه آغاز می‌شود و با طراحی ساده به خانگی شدن گربه خیابانی می‌انجامد. به این داستان می‌توان از دو دیدگاه توجه کرد. نگاه اول بیشتر به ظاهر کتاب و داستان می‌پردازد. در این نگاه مفاهیمی کیفی و ریاضی محور اصلی داستان را تشکیل می‌دهند و داستان تنها محملی برای ارائهٔ این مفاهیم است. تکرار مفاهیمی مانند عقب - جلو، زیر - رو، در پشتی - در جلویی، خانهٔ پر - خانهٔ خالی و ... نشان می‌دهد که نویسنده اصلی سعی دارد کودکان پیش از دبستان را با این مفاهیم آشنا سازد. در صورت درست بودن این برداشت، بهتر بود مترجم به نوعی این هدف را در مقدمه یا پشت جلد کتاب برج می‌کرد.

نگاه دوم در واقع نظر به لایهٔ درونی داستان دارد که به طرح مفاهیمی از قبیل «گریز از آزادی» در انسان که توسط کسانی همچون اریش فروم مطرح شده و یا به مفهوم «احساس تعلق به جایی» پرداخته است. در صورت پذیرش این نگاه، گربه و جامعهٔ به تصویر کشیده شده در این داستان، نمادهایی خاص برای ارائهٔ مفاهیم مورد بحث هستند. مشکل داستان در صورت پذیرش این نگاه، بیشتر به ناهمخوانی

است و تنها وقتی او با دخترک سیاهپوست مزرعه فرار می‌کنند، از نوعی هیجان برخوردار می‌شود. حوادث داستان نیز به واسطه نوع مبارزه سرخپوستان که بیشتر به صورت یکسری تلاشهای دیپلماتیک مانند: مذاکرات رئیس قبیله با سران کاخ سفید و کنگره، و حتی دایر کردن مدرسه مخصوص سرخپوستان، نمود می‌یابد، از جذابیت چندانی برخوردار نیست. نویسنده در پرداخت شخصیت آنی نسبتاً موفق بوده، ولی سایر شخصیتها هنوز تا کامل شدن راه دور و درازی در پیش دارند.



طرح روی جلد این کتاب به وسیله یک طراح ایرانی و طرحهای داخلی آن توسط طراحی غیرایرانی تصویر شده‌اند، اما مجموعاً طرحهای داخل کتاب که قدرتمندانه، جذاب ولی بسیار تکراری‌اند، نسبت به طراحی روی جلد با انتظارات سننیم نوجوانی همخوانی بیشتری دارد. این تصویرها که به وسیله تجمع و پراکندگی نقطه‌های ایجاد شده با نوک قلم به وجود آمده‌اند، جذاب هستند اما تکرار بی‌پایان نقطه‌ها، یکنواختی خسته‌کننده‌ای به تصاویر بخشیده و در نتیجه از تحرك آنها کاسته است. ترکیب بندی این تصاویر نیز ژورنالیستی است و طراح به عناصر خارج از فضای داستان بهای چندانی

سرزمینهای پیشان، آشنا می‌کند. براساس همین فشارها، آنی به پیشنهاد دایمی اش به همراه دخترکی سیاهپوست شهر را ترک می‌کند تا به کوه «ستاره» که هنوز در دست سرخپوستان باقی مانده است، برود. آنها این سفر را با سختی انجام می‌دهند. سرانجام دو سال بعد، آنی با دریافت نامه‌ای از دایمی و یلیام، از وضعیت اسفبار سرخپوستان و کوچ سراسری آنها آشنا می‌شود.

دیدگاه:

این داستان، نگاهی تاریخی دارد و خواننده را با سختی‌های زندگی سرخپوستان - صاحبان اصلی آمریکا - آشنا می‌سازد. ویژگی خاص کتاب مطرح ساختن خصوصیات فرهنگی و اجتماعی سرخپوستان است؛ مردمی که مدرسه، زبان و حتی رهبری خاص دارند و می‌خواهند با حفظ سنت‌های خود در برابر فرهنگ سفیدپوستان مقاومت کنند، اما مشکل کتاب، بیشتر به همین ویژگی باز می‌گردد، چرا که نویسنده کوشیده به تاریخ وفادار بماند و این توجه باعث شده است که داستان چندان قوام نیابد و در برخی فصول به گزارش‌هایی عاطفی گرایش پیدا کند تا روایت داستانی. به بیان دیگر، می‌توان گفت داستان از فصل شروع کوچ طولانی [ص ۵۸] جذابیت یافته است، این در حالی است که هم شخصیت‌ها و هم حوادث کتاب قابلیت پرداخت داستانی داشته‌اند. اگر کتاب حاضر را با کتابهایی مانند «جنگ و صلح» لئو تولستوی و یا داستان نوجوانانه «فریاد مرابشنو» مقایسه کنیم، در می‌یابیم که در کتابهای یاد شده تاریخ کاملاً به خورد داستان رفته، اما در این کتاب چنین کاری صورت نگرفته است.

روایت داستان از زبان آنی، خواننده نوجوان را به تدریج با مسائل مورد نظر نویسنده آشنا می‌سازد، اما این شیوه مشکلی نیز به همراه دارد. نقش آنی در حوادث فعال نیست و بیشتر به شکل بیننده‌ای راوی ظاهر می‌شود. داستان تا اواسط کتاب گزارش گونه

نداده است. شعرهای این کتاب از نظر زبان، ساده و روان هستند و اشکال قافیه و وزن در آن به چشم نمی‌خورد، اما از لحاظ مضمون و محتوا تازگی چندانی ندارند و بی‌توجهی به معنی و مفهوم کلام در جای جای کتاب مشهود است. حضور ابهام به جای ابهام برای گریز از کهنگی و نو شدن شعر، خیالی است که سراینده به آن دل بسته، حال آنکه مخاطبان شعر خود را که کودکان و نوجوانانند، به حساب نیاورده است:

۱. خواب دهنم يك شب
کسی از نور صدایم می‌کرد
روی يك اسب سفید
کوهی از نور صدایم می‌کرد

[بوی ترگس]

۲. ترانه‌ای بخوان
بخوان ترانه‌ای که در غروب
سکوت آسیاب را صدا کند
مگر که غم تو را رها کند.

[آسیابان]

۳. پسر، مثل اناری ترش و نارس
صدایش در سکوت خانه ترکید
تنم از خستگی غرق غرق شد
به روی گونه‌هایم بغض پاشید

[انار ترش]

شاعر در برخی از شعرهای این کتاب، با آوردن کلمات هم‌عرض و هم‌معنی مشکل‌کشف مضمون و حرف تازه را حل کرده و به پر کردن وزن و مصراع با واژگانی نم‌بستی پرداخته است. در عین حال، در میان بندها و بیت‌های هر شعر نیز ارتباطی منطقی دیده نمی‌شود:

۱. سحر با دست‌های روشن نور
به روی تیره‌شب، روشنی ریخت
سکوت از روی لب‌ها مان سفر کرد
صدای سبزمان بانور آمیخت

[صدای سبز]

روی جلد این کتاب چنانکه گفته شد به تصاویر مربوط به سنن کویکی بیشتر شباهت دارد و اجرای آن تا حدودی مکانیکی است. حروف عنوان کتاب هم نازیب و سنگین است و بیشترین لطمه را به روی جلد زده است.

صدای سبز

سراینده: حسین احمدی. تصویرگر: نفیسه شهدادی. گروه سنی: ۷ و ۸. ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. تعداد: ۲۰۰۰ نسخه. ۳۲ صفحه رنگی. ۱۵۰۰ ریال.

«صدای سبز» شامل چهارده شعر نوجوانانه است، چهار پاره‌های «بوی ترگس»، خانه قدیمی، انار ترش، صدای سبز، دست‌های بابا، بوی علف، یک دل، یک دوست، درخت خسته، لحظه‌های انتظار، ترانه‌ها، در چشم آهو، درخت زیتون» و شعرهای نیم‌مایی: «آسیابان و پیراهن سبز» - که در واقع یک مثنوی است - در این کتاب گرد آمده‌اند. شعر «در چشم آهو» را می‌آوریم:

یک سیب سرخ را
از شاخه چید، باد
رویی گذشت و باد
آن را به رویداد

آن سیب سرخ رفت
با رو سوی دشت
آهوی تشنه‌ای
از دشت می‌گذشت

وقتی نگاه کرد
آهو به چشم رود
در چشم آبی اش
یک سیب سرخ بود

دیدگاه:

۲. به آن طرف نگاه کن

چراغهای دهکده، چقدر نورشان کم است

چراغهای دهکده

یکی یکی به سوی شهر رفته‌اند

چراغهای دهکده پراز غمند.

[آسیابان]

«انارتیش» چهرهٔ مردی را می‌بینیم که با وسواس زیاد به شکلی طبیعت گرایانه اجرا شده است، در صورتی که چنین شیوه اجرایی در بقیه تصویرهای این کتاب دیده نمی‌شود. مقایسه چهرهٔ این مرد با طراحی پرنده‌های در حال پرواز در شعر «اترانه‌ها» نامتجانس بودن این دو عنصر را کاملاً روشن می‌کند، زیرا این پرنده‌ها - در مقایسه با شیوه اجرایی طبیعت گرایانه چهره مرد مورد بحث - تقریباً به سانگی یک شکل هندسی ترسیم شده‌اند.

در مجموع می‌توان گفت ناهمگونی شکلها در این مجموعه، بزرگترین نقطه ضعف آن است. روی جلد کتاب نیز پیراسته است و صفحه آرایشی دلپذیری دارد، اما رنگ آمیزی آن در مجموع سرد است و از این لحاظ کمی از جذابیت روی جلد می‌کاهد.

انتخاب قالبی شطرنجی به عنوان عمدترین عنصر تصویری این روی جلد چندان قابل قبول به نظر نمی‌رسد، چرا که ظاهر این کتاب را به نشریات «جدول و سرگرمی» شبیه کرده است، بخصوص اینکه قطع کتاب نیز - که قطع مورد استفاده این گونه نشریات است - به این تصور کمک می‌کند.



در شعرهای مناسبی این کتاب که برای دفاع مقدس یا دیگر مسائل اجتماعی یا مذهبی آمده‌اند، سعی سراینده بیان وقایع با زبانی استعاری و نمادین است که متأسفانه برای تحقق این هدف، غالباً نمادهایی تکراری همچون «بوی نرگس، لحظه‌های انتظار، روشنی تیرگی و...» به کار گرفته شده‌اند و مطالبی انتزاعی و قابل تعمیم پدید آمده‌اند.

تصویرهای این کتاب با وسواس اجرا شده‌اند و بسیاری از آنها فضایی پوست دانه‌دانه دارند، اما عناصر تصویری در تعدادی از آنها یکدست نیستند و این ضعف به هماهنگی مجموعه تصاویر لطمه زده است. ارائه شکل‌های هم خانواده یکی از ارکان ساختمان یک تصویر استوار است، به این معنا که در یک تصویر مستقل - و یا مجموعهٔ به هم پیوسته‌ای از تصاویر مرتبط، مانند آن بسته از تصویرهایی که برای یک کتاب ارائه می‌شوند - بیننده انتظار دارد که با شکل‌های هم خانواده رو به رو شود. توضیح اینکه اگر بخواهیم در یک تصویر از مثالی اغراق آمیز استفاده کنیم، برای بیننده پذیرفتنی نیست که یکی از عناصر با شیوه طراحی والت دیسنی و عنصر کناری آن با شیوه‌ای طبیعت گرایانه ترسیم شده باشد. در نتیجه، هر چه تصویرگر توانایی بیشتری در یکدست کردن عناصر تصویری مورد استفاده خود داشته باشد، بیننده با دنیای یکدست‌تر و قابل قبول‌تر مواجه می‌شود.

در تصویرهای کتاب «صدای سبز» در پاره‌ای موارد یکدستی لازم وجود ندارد، مثلاً در تصویر شعر

رنگ، رنگ، رنگم کن (۱ و ۲ و ۳ و ۴)

سرایننده: اسدالله شعبانی. تصویرگر: محسن حسن پور. گروه سنی: الف و ب. ناشر: افق. تعداد: ۱۵۰۰۰ نسخه. ۱۶ صفحه رنگی. (هر جلد) ۱۵۰۰ ریال.

این چهار کتاب، از سری مجموعه‌های چیستان و رنگ آمیزی است که ضمن معرفی شاخه‌های مختلف «شغلها، میوه‌ها، مکانها و وسایل نقلیه» با بیان ویژگی‌های هر یک و بدون اشاره به نام آنها، به طرح چیستانهایی آموزشی می‌پردازد و پاسخ را در صفحه بعد همراه با تصویری زیبا ارائه می‌دهد. برای مثال، از مجموعه «مکانها» موضوع «کتابخانه» را چنین شناسانده است:

کیم، چیم، تمیزم
پر از چراغ و میزم
کتاب دارم فراوان
برای هر کتابخوان
چند تا کتابدار دارم
اعضای بسیار دارم
کتابها، بسته بسته
در قفسه نهشته
کتابها دانه دانه
بزرگ و کوچکانه
از هنر و از آتپ
چیده شده مرتب
کتابها مهر باندند
رفیق کودکاند
کتابها را باز کنید
با آنها پرواز کنید

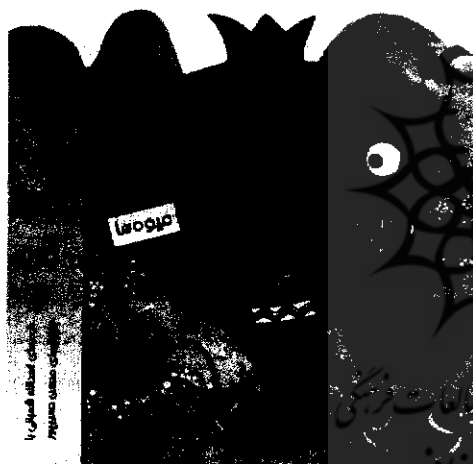
دیدگاه:

این مجموعه چهار جلدی اگر چه از نظر ادبی حائز اهمیت نیست، اما می‌توان از جهت‌های دیگری به آنها نگرینست. هدف اصلی این کتابها که با زبانی ساده و روان به نظم درآمده‌اند، آموزش مفاهیم زندگی امروزی

به کودکان پیش از دبستان است. سراینده سعی کرده با برشمردن اوصاف و ویژگی‌های هر یک از نمونه‌ها، به شناساندن بهتر و راحت‌تر آنها پرداخته و از موسیقی کلام و تکرار عبارتهای «کیم و چیم» سود جسته است تا مخاطب را به خواندن و دنبال کردن مطالب علاقه‌مند سازد:

«کیم، چیم، بال دارم
چرخ، جای چنگال دارم
مرغ فرودگاهم من
دو بال دارم از آهن.»

[وسایل نقلیه - هواپیما]



توجه به آوردن کلمه‌های کلیدی که شناسای نمونه‌ها هستند، موجب شده از شعریت منظومه‌ها کاسته شده و زیبایی فدای معنی شود. گفتنی است که شاعر به نوعی طنز و لطیفه در تمام قطعات توجه داشته است:

کیم، چیم، قشنگم
همسایه نهنگم
دکل دارم باسکان
بادو سه تا بادبان
آمده مرغی خسته

روی دکل نشسته

به روی آب دریا

سرمی خورم چه زیبا

[وسایل نقلیه - کشتی]

تصویرگر این مجموعه «آقای حسن پور» کوشیده است با ارائه تصویرهایی متفاوت با آنچه که به فراوانی در کتابفروشی‌ها و دکه‌ها یافت می‌شوند، قدمی در راه ارتقا سلیقه تصویری خریسالان بردارد و تا حدودی هم موفق به انجام این کار شده است، اما به عنوان یک نقطه ضعف باید از رنگ آمیزی این تصویرها یاد کرد که عموماً سنگین بوده و تأثیری نامطلوب دارند. مقایسه رنگ آمیزی این کتاب با کتاب «از برگ گل بهتر» با تصویرهای آقای علی خدایی، درک بسیار متفاوت این دو تصویرگر از دنیای خریسالان را به خوبی نشان می‌دهد.

شرلوك هولمز، درنده باسکرویل

نویسنده: سرآرتور کنان دویل. مترجم: مهری غبرایی. گروه سنی: ج. د. ناشر: مرکز. تعداد: ۴۰۳۰ نسخه. ۱۲۶ صفحه. ۲۳۰۰ ریال.

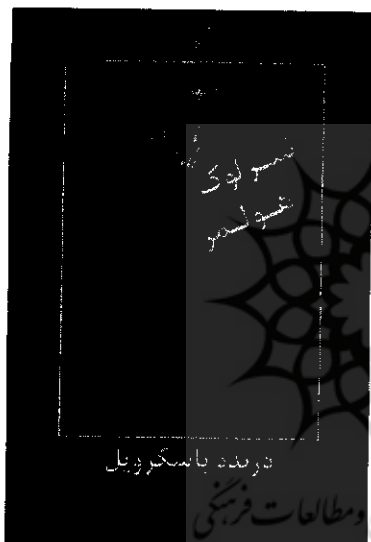
پس از کشته شدن مرموز سرچارلز، صاحب جدید باسکرویل توسط نامه تهدید به مرگ می‌شود، وی، شرلوك هولمز را برای کشف هویت قاتل سرچارلز و ارسال کننده نامه تهدید آمیز، استخدام می‌کند. هولمز با روش خاص خود وارد ماجرا می‌شود و پس از جستجوی فراوان، سرانجام قاتل را که عموماً زاده مقتول است، پیدا کرده و انگیزه قتل را که در واقع تصاحب ارثیه سرچارلز است، کشف می‌کند.

دیدگاه:

این کتاب، یکی از نمونه‌های کامل داستانهای پلیسی است. ماجراهای داستان، پیچیدگی‌های خوبی دارد و با ظرافت در پی یکدیگر رخ می‌دهند. زاویه دید داستان دقیق انتخاب شده است، به گونه‌ای که خواننده احساس نمی‌کند اطلاعات از او پنهان شده

است. فضاسازی داستان بسیار قوی و زنده است. به عنوان مثال، موقعیت ده و خلسنگزار حس رعب و وحشت را به خوبی به خواننده منتقل می‌کند. گرچه داستان برای نوجوانان قابل فهم است، ولی خاص این گروه نیست.

با توجه به زائد بودن بخشی از داستان که به فرار مرد زندانی اختصاص یافته، به نظر می‌رسد در خلاصه کردن داستان، دقت کافی نشده است. نشر داستان قدری بزرگسالانه به نظر می‌رسد.



طراحی‌های این کتاب که احتمالاً در سالهای دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی اجرا شده‌اند، بسیار قدرتمندانه و جذابند. همه اصول آکادمیک طراحی و ترکیب‌بندی در این تصاویر - که به واسطه اندازه کوچک کتاب و چاپ سیاه و سفید تا حد زیادی نادیده می‌مانند - رعایت شده‌اند و بیننده را وارد فضای آشنای داستانهای شرلوك هولمز می‌کنند.

روی جلد این کتاب که احتمالاً به وسیله طراحی ایرانی انجام شده است، به رغم جذابیت‌های تجاری، ارتباطی با طراحی‌های داخل کتاب ندارد و به شیوه آگهی‌های سینمایی کار شده است.

آیین‌های آسمان

نویسنده: به کوشش علی اصغر نصرتی. تصویرگر: م. مهاجر. ویراستار: محمدباقر شمس‌پور. گروه سنی: ۵-۱۰. ناشر: کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه. تعداد: ۵۰۰۰ نسخه. ۵۲ صفحه رنگی. ۲۸۰۰ ریال.

این مجموعه شعر، برای بزرگداشت سرداران شهید سپاه (محلّاتی، میثمی، کلاهدوز، بروجردی، باقری، متوسلیمان، همت، کاظمی، کلهر، رضوی) و ۳۶ هزار شهید استان تهران سروده شده و از آثار شاعران کودک و نوجوان همچون: مصطفی رحماندوست، جعفر ابراهیمی، افشین علاء، علی اصغر نصرتی، محمود پوروهاب، جواد محقق، تقی متقی و دیگران فراهم آمده است. بهست و دو شعر این مجموعه از هجده چهارپاره، نو مثنوی و دو شعر نیمایی تشکیل شده است.

عناوین برخی از این سروده‌ها که هر یک به سرداری تقدیم شده عبارتند از: «روح آیات، پرستوی مهاجر، رازدار ستاره‌ها، اسوه صبوری، قاصد بهار، مثل ستاره، همت از همت سر و سامان گرفت، نسیم کریستان، باغی از گل‌های پرپر، گل‌گلدان خدا و...». بخش‌هایی از شعر «نسیم کریستان» سروده افشین علاء را می‌آوریم:

عطر یاد آن سردار
مانده جاودان در دشت
آن شهید «پیرانشهر»
آن دلاور «سردشت»
نام او بلندی داد
نام پاسداران را
خونش آبیاری کرد
دشت «کامهاران» را
خاطرات او جاریست
جاودانه همچون رود
در «سنندج» و «پانه»
در «تکاب» و در «نوسود»
خار چشم دشمن بود
نور دیده باران
در نبرد همچون کوه
در نماز، چون باران

پیداگاه:

بزرگداشت و یادکرد شهیدان دفاع مقدس، انگیزه اصلی تدوین و انتشار این مجموعه بوده تا با بهره‌گیری از شعر به عنوان ابزاری سازنده و مؤثر، حماسه‌های این دلاور مردان عرصه‌های مقاومت و شهادت برای کودکان و نوجوانان معرفی و شناسانده شود و نام و راهشان همچون چراغی روشن، پیش روی آیندگان بدرخشد.

نراشعار این مجموعه تلاش شده است با بیان خصوصیات فردی و اجتماعی سرداران شهید، به روحیات و شیوه زندگی هر یک مختصر اشاره‌ای شود و با آملن نام هر کدام در پایان شعر، ویژگی انحصاری بودن آن حفظ شود:

«جاودانه‌ای زهر! مثل روح آیاتی / آیه‌ها نمی‌میرند! / مثل تو، محلّاتی»
[روح آیات، ص ۸]
«ماز آقیانوس ایثار و جهاد / ای نوح و برد محروم / از نمی‌[آ] غوطه‌ها در عمق آقیانوس خورده / خوش به



پژوهنده: علی اصغر نصرتی

تصویرها نیز تکراری، مکانیکی و فاقد حداقل شور هنرمندانه است.



خوشبوترین گلها

سراینده: جعفر ابراهیمی (شاهد). تصویرگر: پرویز اقبالی. گروه سنی: ج. د. ناشر: موسسه فرهنگی تنزيل. تعداد: ۵۰۰ نسخه. ۲۲ صفحه رنگی. ۱۵۰۰ ریال.

در این کتاب، چهارده شعر در قالب چهار پاره برای چهارده معصوم (ع) آمده است، به نامهای: «پارغار، عطر گل محمدی، باز هم او آمد، فرزند زهرا، خورشیدها بر خاک، مثل شقایق، پنجمین برگ امامت، گوهری در دانش، گوهر عقل، نامش عزیز است، نهمین ماه تابان، پاکتر از شبنم، آفتاب سامرا و انتظار». شعر «مثل شقایق» برای امام سجّاد، زین العابدین (ع) گفته شده است:

در سینه اش باغ گلی بود
او شاهدی در کربلا بود
مهر خدا را داشت در دل
چون، عاشق نام خدا بود

حال مرد توفان: «میثمی» [مرد طوفان، ص ۱۲]
«همت از او رنگ و بویی تازه یافت / معنی و مفهوم بی اندازه یافت / همت از «همت» سر و سامان گرفت / مردی از بی باکی او جان گرفت» [همت از همت...، ص ۳۴]
اما آنچه در این مجموعه حضوری مشهود دارد، مفاهیم انتزاعی و استعاری و ترکیبات نامأنوس در شعر نوجوان است و جای پای بزرگسالی شاعران به وضوح پیداست، تا حدی که به صراحت می توان گفت مرزبندی شعر نوجوان و بزرگسال در این اشعار نامشخص بوده و رعایت نشده است:

«در دل چاه کینه چون «یوسف» / آیه روشن خدا بودی / انکر خیرت در آسمانها بود / احسن یوسف»
برای ما بودی» [رازدار ستاره ها، ص ۱۶]
«مثل سردار بزرگ کربلا / بوی عصمت از ردایش می چکد / روز و شب در خلوت رزمندگان / عشق و اخلاص از صدایش می چکد» [مرد طوفان، ص ۱۲]
«یک غنچه در کشاکش برف و باد / طفلی اسیر پنجه دلنگی / یک یاس تشنه، تشنه روییدن / در روزگار منجمد سنگی» [سنگ صبور، ص ۲۰]
همچنین نامفهوم بودن برخی ابیات و بی توجهی به معنی، دوری از شعر و نزدیکی به شعار و مستقیم گوویی پیام، سستی عبارات و نبود یکدستی در کلام نیز به اغلب شعرهای مجموعه راه یافته است که به رغم مناسبتی بودن و قهوه خاص این گونه سروده ها، می توانست کمرنگ تر باشد و آثار ماندگارتری فراهم آید.

روی جلد این کتاب، سرد و تصویرهای داخل آن تکراری، یکنواخت و کسل کننده است. عناصر تصویری دم بستنی که دیگر هیچ شعوری برنمی انگیزند، همه تصویرهای این کتاب را انباشته اند. استفاده تصویرگر از نمادهایی که به فراوانی در روزنامه های دیواری مدرسه های راهنمایی دیده می شوند، مثل کبوتر، ستاره، ابر، گل سرخ، لکه های خون، شعله های آتش و ابرهای مینیا توری، بیننده را دچار عذاب بصری می کنند. شیوه اجرای

هر جا که می‌رفت او همیشه
در دشت دلها مهر می‌گاشت
دلخون‌تر از آلاله‌ها بود
داغی از عاشورا به دل داشت

او مردمان را دوست می‌داشت
او آفتاب عشق و دین بود
او بود زینت در عبادت
زیرا که زین العابدین بود

دیدگاه:

گرایش شاعران کودک و نوجوان به سرودن شعر برای ائمه اطهار (ع) و ستایش پاکترین بندگان خداوند، یکی از مهمترین عرصه‌هایی است که در ادبیات کودک پس از انقلاب به وجود آمده و نتایج ارزشمند و موافقی داشته است. «خوشبوترین گلها» نمونه‌ای است که با این هدف و به طور مستقل برای چهارده معصوم (ع) به نظم کشیده شده و قابل تقدیر است.

آنچه در این گونه آثار باید مورد توجه سراینندگان قرار گیرد، علاوه بر رعایت موازین سرایش و حفظ قوت و رسایی کلام، ارائه صفات و خصایص شایسته و نیکوی آن بزرگواران با دقت و بررسی در زندگی، گفته‌ها و اخلاق فردی و اجتماعی آنان است. شاعر این کتاب نیز تا آنجا که مقدور بوده به ذکر نام و ویژگی هر کدام از معصومان همت کرده است:

همراز کوهستان مکه
همصحبت غارخرا بود
شبهانر آن تاریکی غار
او در پی نور خدا بود

[یار غار]

او شکافنده دانشها بود
و گلی پاک گلزار بهار

شاخساری پُر از آواز و سرود
باغی از میوه دانش، پر بار

[پنجمین برگ امامت]

گاهی نیز از سخنان امامان (ع) با ذکر اصل حدیث در پانویس صفحات به نظم کشیده است که بر قوت و زیبایی شعر می‌افزاید. برای مثال در شعر «نامش عزیز است» عبارت «صَدِيقُ كُلِّ امْرِءٍ عَقْلُهُ وَعَدْوُهُ جَهْلُهُ» به معنی: دوست واقعی هر کسی عقل اوست و نادانی و جهالت دشمنش، از حضرت امام رضا (ع) چنین آمده:

او آفتابی داشت در دل

روشن‌تر از خورشید روشن
می‌گفت او که: «بهترین دوست
عقل است و نادانی است دشمن»

بدیهی است چون شاعر در پدید آوردن این مجموعه، خود را به رعایت برخی نکات ملزم دانسته، کم و بیش از «شعر» فاصله گرفته و به مستقیم‌گویی تن داده است، حال آنکه به رغم مناسبتی بودن این مجموعه، می‌توانست از غنای بیشتری برخوردار شده و همچون نام و یاد ممدوحانش به اثری ماندگارتر تبدیل شود؛ هر چند در پیشگاه حضرت باری تعالی و ائمه اطهار (ع)، اجر و ثواب معنوی آن محفوظ و پایرجاست.

🔸 کتابی که به لحاظ ادبی پراست از واژه‌هایی نظیر نور، آفتاب، ستاره، رنگین کمان و روشنائی، به لحاظ یکی از مهمترین عناصر تصویر، یعنی رنگ آن چنان آکنده از رنگهای تلخ و بی‌فروغ است که در فضای آنها به سختی می‌توان نفس کشید.

به لحاظ طراحی نیز به کارگیری بیش از حد خطوط پرپیچ‌وتاب و انباشتگی تصویرها از خطوط یکنواخت، حاکی از محافظه‌کاری تصویرگر در کارگیری عناصر تصویری متحرک است. در نتیجه، بیننده با تصاویری غیرصمیمی و کسل‌کننده مواجه می‌شود.

خوانندگان منتقل می‌کند و این امتیازها چنان است که برخی به هم ریختگی‌های نستوری اشعار به چشم نمی‌آید:

بلدم شعر بگویم
 بلدم قصه بخوانم
 بلدم خستگی ات را
 به سلامی بتکانم...
 بلدم روی لب تو
 گل لبخند بکارم
 بلدم مردم دنیا
 همه را دوست بدارم

همان طور که پیداست، جمله آخر باید «بلدم همه مردم دنیا را دوست بدارم» باشد، اما تغییر شکل یافته است. به هر حال، در مجموع به نظر می‌رسد شتاب در انتشار این دفتر از زیبایی‌های آن نکاسته است؛ هر چند که از «افشین علاء» توقع و انتظار بیشتری می‌رود.

تصویرهای این مجموعه شعر با جدیت بسیار طراحی شده‌اند، اما این طراحی‌ها هنوز از جذابیت و بداعت لازم برخوردار نیستند؛ گله‌ها، درختها، ابرها، میوه‌ها، آدمها و دیگر عناصر تصویری می‌توانند بسیار بدیع‌تر از آنچه در این کتاب دیده می‌شود، طراحی شوند. در مجموع به نظر می‌رسد تصویرگر محترم این مجموعه شعر به شیوه اجرای تصویرهایش بسیار بیشتر از تأثیرگذاری آنها بر بیننده بها می‌دهند، در صورتی که به تجربه ثابت شده است که اگر ایشان وقت و توان ذهنی خود را صرف ارائه طراحی‌هایی بدیع‌تر می‌کردند، در خلال انجام این کار با ذهنیتی پالوده‌تر، روش اجرای مناسب و نه الزاماً چشمگیرتر - تصویرهایشان را پیدا می‌کردند.

خانم «صالحی» از تصویرگران بسیار جدی ما هستند. ایشان با کمی تجزیه و تحلیل فضای موجود در دانشکده‌های هنری ما و مقایسه آن با فضای کار جدی حرفه‌ای در خواهند یافت که درگیری‌های صرفاً تکنیکی تنها مشغله‌ای نوجوانانه

است و پی‌ریزی بنایی ایستا، بیشتر از رنگ و لعاب، نیازمند پایه‌ای استوار است. البته شیوه اجرای اثر بسیار مهم است، اما هنرمندان بیان تأثیرگذار را در درجه اول اهمیت قرار می‌دهند.

اشاره به یکی از ضعف‌های طراحی در تصویرهای این کتاب شاید به ایجاد انگیزه برای رفع این نقیصه کمک کند و آن اینکه در طراحی عناصر تصویری این مجموعه یکسستی لازم به چشم نمی‌خورد. مثلاً در «شعر لبخند» تصاویر تقریباً طبیعت‌گرایانه - لب‌های خندان - در کنار تصویرهایی قرار گرفته‌اند که با شیوه‌ای کوبکانه طراحی شده‌اند. رفع این مشکل چندان دشوار نیست، زیرا کافی است که یکی از این عناصر حذف شوند!

افسانه دیو و دختر

نویسنده: شکوه قاسم نیا. تصویرگر: کریم نصر. گروه سنی: الف و ب. ناشر: پیدایش. تعداد: ۱۵۰۰۰ نسخه. ۱۶ صفحه رنگی. ۱۵۰۰ ریال. این کتاب حاوی دو افسانه است که خلاصه افسانه نخست یعنی «دیو و دختر» را می‌خوانید:



دیو گرسنه‌ای به دنبال یافتن غذای شهر می‌شود. او پس از جستجوی فراوان وارد تنها خانه‌ای می‌شود که درش را باز گذاشته‌اند. دیو که تصمیم دارد

او خسته است انگار
چون بسته بست او را
محکم به میخ دیوار
کی می‌شود که این بند
از بست او شود باز
مادر، لباس ما را
بر روی آن نینداز

با خوردن صاحب‌خانه «خاله پیرزن» و نوه‌اش «نمکی» شکمش را سیر کند و از شهر خارج شود، با دیدن خوش رفتاری پیرزن، خام می‌شود. پیرزن نیز با خوردن سرکه به جای شربت، نمک به جای شکر و ریختن شیر بر سر و روی دیو، او را لای فرش اتاق می‌پچد و از خانه بیرون می‌اندازد.

دیدگاه:

آنچه قصه‌های این کتاب را جذاب ساخته است، بیشتر منطق افسانه‌ای است و نه چفت و بست داستانی آنها؛ منطقی که به کمک آن ناممکن‌ها، به ممکن تبدیل می‌شود و سرانجام خوبها نجات می‌یابند و بدها به سزای اعمال خود می‌رسند؛ منطقی که به دلیل ساختار ساده‌اش توسط مخاطب خردسال کتاب فهمیده می‌شود و مایه شادی او فراهم می‌سازد.

مهمترین نقش نویسنده در بازپرداخت افسانه‌ها، به انتخاب افسانه‌ها و نگارش آن با بیانی ساده و روان باز می‌گردد. به بیانی دیگر، نویسندهٔ پرکار کتاب نه تنها به بازآفرینی قصه پرداخته بلکه زبان آن را با چاشنی شعر همراه ساخته است. این در حالی است که زمینه داستان، حداقل امکان به کارگیری نثری آمیخته با نظم را برای وی فراهم کرده است.

از برگ گل بهتر

سراینده: ناصر کشاورز. تصویرگر: علی خدایی.
گروه سنی: الف و ب. ناشر: سروش. تعداد:
۱۰۰۰ نسخه. ۱۶ صفحه رنگی. ۱۸۰۰ ریال.



دیدگاه:

«از برگ گل بهتر» کتابی است سرشار از مضمونها و سوزهای تازه و پر طراوت و زیبا برای کودکان که کمتر شاعری به آنها پرداخته است. سانگی زبان و روانی بیان - بدون به هم ریختگی جملات و جا به جایی ترکیبها و واژگان گروه سنی خاص کویک - عمده‌ترین ویژگی این کتاب است که موجب ترغیب و تشویق مخاطبان به مطالعه و حفظ شعرها می‌شود:

ما یک درخت داریم
اقا دلش شکسته
چون مادرم به بستش
یک بند ریخت بسته

از بند ریخت مادر

این نگاه را بپذیرد، در گروه تصویرگرانی قرار می‌گیرد که آثاری مشابه را «ر.ج» می‌زنند.

پدر برایم امروز
لباس نو خریده
ولی هنوز آن را
عروسکم نپسیده

خیال صورتی

سرایننده: رودابه حمزه‌ای. تصویرگر: نیلوفر میرمحمدی. گروه سنی: ج-د. ناشر: حوزه هنری. تعداد: ۶۶۰۰ نسخه. ۲۴ صفحه رنگی. ۱۸۰۰ ریال.

این کتاب، شامل چهارده شعر کودکانه در قالب چهارپاره است. موضوع و محتوای اغلب اشعار درباره مسائلی است که کودکان با آن سر و کار دارند. اسامی اشعار کتاب به ترتیب عبارتند از: «باغ سفره، یک هدیه، مشق شب، بنشین کنارم، زیباتراز ماهی، وای از هوای ابری، خیال صورتی، کاش آزادت کنم، اولین روز کلاس، من و شمع، پول نو، نوزاد ما، من دوستت هستم و نماز فرشته‌ها».

عروسک من امشب
کمی دلش شکسته
نمی‌رود بخوابد
کنار ما نشسته

[لباس نو]

به طوری که از عنوان اشعار برمی‌آید، بیشتر مطالب کتاب دربارهٔ کودک و اشیاء و حیوانات پیرامون اوست و حس پیوند با دیگران را در وجودش افزایش می‌دهد. «جوجه، درخت، گل، بزغاله و کربه» عناصر جاندار این مجموعه‌اند که کودک به نحوی با آنها مرتبط شده و «لباس نو، عروسک، نقاشی، شانه، دامن و...» عناصر غیرزنده و اشیای کوچک پیرامون او را شامل می‌شوند. گفتنی است که سراینده به خوبی توانسته با نگاهی کودکانه به تماشای تمام تصاویر موجود در دنیای ذهن خویش بپردازد و همه اندیشه‌هایش با زبانی ساده و صمیمی بیان کند.

شعر «من دوستت هستم» را با هم می‌خوانیم:

من یک سبد دارم
تو یک سبد داری
من از تو می‌خواهم
یک سیب برداری

«علی‌خدایی» تصویرگر این مجموعه شعر، سالهاست که با شیوه‌ای یکسان برای خریدسالان کار می‌کند. تصویرهای او بسیار دوست‌داشتنی و بی‌ادعا هستند. او از ارائه زاویه‌های پیچیده پرهیز می‌کند و عناصر تصویری‌اش: آدمها، گلها، پروانه‌ها و جانوران، همگی در فضاهایی سبک و بی‌تنش، آرام و مهربانانه در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند.

بردار آن رازود
توی سبد بگذار
این سیب مال دوست
با دست خود بردار

وقتی که می‌گیری
یک سیب از دستم
با خنده می‌گویم
من دوستت هستم.

دیدگاه:
«خیال صورتی» مجموعه شعری کودکانه است، با همان صمیمیتها و سادگی‌های کودکانه. مضمون و موضوع اغلب اشعار کتاب از تازگی و تنوع مطلوب

ویژگی آثار خدایی در به کارگیری رنگهای سبک و بی‌وزن است. این فضاهای سبک رنگی هر بیننده‌ای را متقاعد می‌کند که این تصویرگر محدودهٔ فضای ذهنی مخاطباننش - خریدسالان - را کشف کرده و در پی به تصویر کشیدن دنیای دوست‌داشتنی و آرام است؛ دنیایی که با انتظارات کودکان همخوانی دارد. با این وجود، شکی نیست که اگر علی‌خدایی نتواند



را روی آن انداختم»

[خیال‌صورتی]

در مجموع، این کتاب را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای خواندنی برای کودکان، معرفی کرد.

تصویرهای این کتاب، کارناوالی از خرت و پرت‌های «رنگ و وارنگ» است. در گوشه و کنار تصویرهای شلوغ آن، همه جور جک و جانوری پیدا می‌شود، اما ضعف عمده این تصویرها آن است که تفاوتی با تصویرهای مربوط به یک داستان ندارند، در صورتی که بیننده از یک تصویرگر انتظار دارد چنانچه شعری را تصویر می‌کند، تصویر ارائه شده ترجمان تصویری شعر باشد.

جیر جیرک در میدان تایمز

نویسنده: جرج سیلین. مترجم: پروین علی‌پور. تصویرگر: کارث و پلیمان. گروه سنی: ج و د. ناشر: چشمه. تعداد: ۲۰۰۰ نسخه. ۱۳۶ صفحه. ۰۰۰۰ ریال.

جیر جیرکی به نام «چستر» از طریق یک سبد پیک نیک به نیویورک می‌رسد و از دکه روزنامه فروشی محقری واقع در ایستگاه قطار زیرزمینی سرریز می‌آورد. در آنجا، از سوپی با یک موش به نام «تاکه» و یک گربه به نام «هری» و از دیگر سو با «ماريو» پسرک مهربان صاحب دکه دوست می‌شود.

تاکه و هری در یک میهمانی شبانه که در دکه برگزار می‌کنند، به قریحه ذاتی چستر در نواختن ترانه‌های محلی نیویورک پی می‌برند. این توانایی نه تنها باعث رونق دکه روزنامه فروشی می‌شود. چرا که هر روز عده‌ای برای شنیدن صدای زیبای جیر جیرک به آنجا می‌آیند و مجله هم می‌خرند. بلکه دوستی میان این سه حیوان را عمیق‌تر می‌کند، چون آنها در واقع به مدیران اجرایی هنرمندی مشهور به نام چستر تبدیل شده‌اند. سرانجام، چستر با نزدیک شدن فصل بهار هوای زادگاهش را می‌کند و دل و دماغ خواندن را از دست می‌دهد. دوستان او یعنی تاکه و هری، وی را در بازگشت به خانه‌اش یاری می‌دهند.

برخوردارند. زبان شعر و کلمات نیز ساده و یکدست است و نشان می‌دهد که سراینده در ارائه آثار برای کودکان دبستانی موفق تر است. هنگامی که شاعر سعی می‌کند از موضوعهای عاطفی به بیان مضامین جذبی‌تر بپردازد دچار مستقیم‌گویی و به هم ریختگی کلام می‌شود که نمونه بارز آن شعر «نماز فرشته‌ها» است:

«رنگ آخر، دیروز در دبستان ما ندیم اما نماز خود را دسته جمعی خواندیم...»

زهره با خوشحالی به صف ما پیوست | چاندیش را سر کرد | پشت من قامت بست

من به همراه نسیم | کرده بودم پرواز | ناگهان توی حیاط | پر شد از بوی نماز |

در این کتاب، یکی دو مورد قافیه نادرست نیز دیده می‌شود که اگر چه مشابه آنها در برخی شعرهای کودک مشاهده شده، ولی بهتر است قواعد و اصول ادبی لازم کاملاً مراعات شود:

«رنگ دل ماهی | هم سرخ و هم آبی ست | ز بیاتر از ماهی | تنها خود ماهی ست» [زیباتر از ماهی]

«یک لباس صورتی | در خیالم بافتم | نقشه خورشید

دیدگاه:

در مقایسه کتاب حاضر با کتاب «پنگوئن های آقای پاپر» که پیش از این توسط همین مترجم ترجمه شده است، در می یابیم که در ماجرای جیر جیرک، حیوانات حاضر در داستان، فعال، کارآمد و باهوش هستند. به بیان بهتر، آنها شخصیت های اصلی داستان به شمار می آیند نه شخصیت طبیعی که تنها تأثیرشان تغییر در روند عادی زندگی شخصیت های انسانی است (مانند داستان پنگوئن های آقای پاپر). حوادث داستان و شخصیت های آن به خوبی پرداخت شده اند. فضای داستان توصیف دقیقی دارد و لحظه پردازی های خوب آن، خواننده را از ابتدا تا انتهای داستان با خود همراه می سازد.

مهمترین مشکل این داستان ناشی از دو زمینه اساسی است. اول آنکه نویسنده در پرداخت شخصیت حیوانات داستان بسیار اغراق کرده و چنان رفتاری به آنها نسبت داده است که تار و پود واقعی داستان را از هم می گشاید. در همین زمینه با اینکه خواننده می پذیرد چستر نوازنده ای چیره دست است، ولی به رفتارها و توانایی های فراوان حیوانات مانند قضاوت های بسیار عاقلانه، اطلاع دقیق شان از نوع، مسیر و ساعت حرکت به زادگاه چستر، علاقه آنها به شب زنده داری و موسیقی و... به دیده تردید می نگرد.

مشکل دیگر داستان، استعداد چستر در نوازندگی است. اگر چه نوازنده بوین چستر در واقع بازکننده گره های اصلی داستان حاضر به شمار می آید، اما این نوازندگی برای یک آمریکایی که با آهنگهای چستر آشناست، جذاب است نه خواننده نوجوان ایرانی که نه تنها با آن نوع موسیقی ها آشنا نیست، بلکه شور و شغف شنوندگان آنها نیز برای او قابل ترک نیست. این قسمتهای داستان، با وجود تأکید دقیق نویسنده بر نوع موسیقی و شهرت آنها - که چند فصل اصلی داستان را به خود اختصاص داده است - از بخشهای

خسته کننده کتاب به شمار می آیند. این محدودیت به قدری مهم است که ضرورت ترجمه اثری این چنین را که وابستگی بسفاری با فرهنگ آمریکایی دارد، با تردید رو به رو می سازد، مگر اینکه مترجم تا حدی از این بار می کاست و با حداقل قسمتهایی از داستان را قدری مختصرتر می کرد.

اگرچه ماجراهای داستان دارای کشش هستند، اما برخی از حوادث آن مانند پیدا شدن نرزد و یکباره ناپدید شدن او، چندان دقیق نیست.

طراحی های داخل این کتاب قدرتمندانه اجرا شده و پرکشش است، اما در رییف طراحی های غیر هنری جای می گیرند، به این معنا که تصویرگرانی نظیر مصور این کتاب، در اجرای نوع خاصی از طراحی مهارت دارند و ترجیح می دهند آثارشان به همان شکل شناخته شده و همیشگی ارائه شود. در نتیجه به جنبه های بدیع کار که مستلزم جوشش دائمی است و قهرآ شکل های تازه تری را به آثار یک هنرمند تحمیل می کند، بهایی نمی دهند. پافشاری بر روی این نوع کار حرفه ای، آثاری بسیار قدرتمندانه تولید می کند که با گذشت زمان جذابیت خود را از دست می دهند و جرئت جستجو را از هنرمند سلب می کنند.

طراحی های قدرتمندانه، فضا سازی های ملموس و شخصیت پردازی های جذاب این کتاب نیز که حاصل سالها تجربه اندوزی حرفه ای است، در رییف این آثار قرار می گیرند زیرا به علت محافظه کاری هنرمند، فاقد بداعت هستند.

رنگهای روی جلد این کتاب بسیار سرد و دافع است و اگر طراحی پرتحرک این تصویر از آن حذف می شد، هیچ چیز جذابی برای مخاطبین خود که در جستجوی تحرک و هیجان هستند - گروه سنی نوجوان - نداشت. اما به نظر می رسد روی جلد این کتاب به وسیله یک طراح ایرانی و با استفاده از روی جلد خارجی کتاب فراهم شده است. اگر چنین باشد باید مصور خارجی کتاب را از «ارتکاب» اجرای روی جلد مبرا دانست!

ماجراهای آفتاب و عزیز خانم

نویسنده: مژگان کلهر. تصویرگران: اکبر نیکان پور و محمدحسین صلواتیان. گروه سنی: ب و ج. ناشر: آفتابگردان. تعداد: ۲۲۰۰۰ نسخه. هر جلد ۳۲ صفحه رنگی. بهای هر جلد ۱۸۰۰ ریال.

زن و شوهری جوان به همراه تنها دخترشان «آفتاب» به عنوان مستأجر به خانه زنی پیر به نام «عزیز خانم» اسباب‌کشی می‌کنند. رویارویی روحیات کویکانه آفتاب که در کلاس اول راهنمایی درس می‌خواند و خانواده جوان با روحیات سنتی عزیز خانم، درونمایه چهل ماجراست که توسط نویسنده به شکل ماجراهای پیوسته در ۴ جلد ارائه شده است. به عنوان نمونه، بخش آغازین نخستین ماجرای کتاب را می‌خوانید:

«عزیز خانم صاحب‌خانه ماست. و ما تازه دو ماه است که آمده‌ایم توی این خانه. پدرم می‌گوید: «این عزیز خانم هم اعصاب آدم را خرد می‌کند با این اخلاقش.»

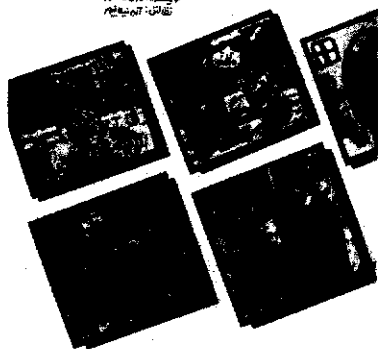
اما مادرم می‌گوید: «این عزیز خانم پیرزن مهربانی است. توی دلش چیزی نیست. هر کسی برای خودش اخلاقی دارد. اخلاق او هم این طوری است دیگر.» می‌خواهید بدانید اخلاق عزیز خانم چه طوری است؟ اخلاق عزیز خانم یک جور است که نمی‌شود گفت چه جور است. برای هر کاری اخلاقش یک جور است. و ما هم چون به اخلاقش عادت نداریم می‌مجبور است به ما بگوید چه کار بکنیم و چه کار نکنیم.»

بهدگاه:

حوادث داستان با اجاره نشینی زن و شوهری جوان و دخترشان در خانه پیرزنی سنتی آغاز می‌شود. این ماجراها که بیشتر به برخوردهای آفتاب به عنوان دختر بچه‌ای امروزی و عزیز خانم به عنوان زنی متعلق به نسل قبل مربوط می‌شود، به واسطه

ماجراهای آفتاب و عزیز خانم

نویسنده: مژگان کلهر
تصویرگران: اکبر نیکان پور



کوتاه‌بودن و درونمایه‌های خوب داستانی، جذاب و شیرین‌اند. فضای صمیمی و سنتی خانه و رفتارهای کاملاً کویکانه آفتاب از مهمترین عوامل جذابیت داستان برای مخاطبان کتاب است.

نویسنده با وجود موفقیت در این فضاسازی و پردازش شخصیت آفتاب، متأسفانه در پرداخت شخصیت سایر افراد دقت کافی نکرده است. به عنوان مثال، در داستان «سکسکه» از جلد سوم، مادر آفتاب زنی خرافی ترسیم می‌شود، ولی خود او از خرافی‌بودن عزیز خانم شکایت دارد! در داستان «پاقدم» وقتی شخصیت آفتاب قدری از کویکی بیرون می‌زند، عزیز خانم به جای تکیه بر رسم و رسوم، سعی می‌کند فلسفه «پاقدم» را برای او اثبات کند.

نویسنده در برخی موارد تنها به نقل ماجراها اکتفا کرده و به این قاعده داستان‌نویسی که بایستی علت اظهار نظر شخصیت‌های داستان روشن باشد، بی‌اعتنایی می‌ماند. به عنوان مثال، در جلد اول در داستان «پله‌های حیاط» عزیز خانم دلیل رفت و آمد آفتاب از در سمت پلکان را بیان نمی‌کند و در داستان «نفتی» از همین جلد، مشخص نمی‌شود که چرا عزیز خانم اصرار دارد که نفت، شنبه آورده شود نه

چهارشنبه.

یکی دیگر از موارد کم بقتی نویسنده، برخی تناقضات آشکار در میان داستانش است. به عنوان مثال، در داستان «سینما» از جلد دوم، عزیز خانم در مراجعه به سینما به گونه‌ای عمل می‌کند که گویی در این زمانه زندگی نمی‌کند، این در حالی است که در داستان «شب پلدا» از جلد اول، متوجه می‌شویم که عزیز خانم نه تنها با تلویزیون آشناست، بلکه حتی وجود آن را نفی سنت‌های قدیمی می‌داند.

براساس مواردی که گفته شد، داستانهایی این مجموعه بیشتر برای افرادی که قبلاً سریال آفتاب و عزیز خانم را دیده‌اند معنی‌دارتر است، چرا که در آن مجموعه، علت حوادث بسیار دقیق‌تر مطرح شده بود. به نظر می‌رسد تصاویر کتاب بیشتر در خدمت صفحه‌آرایی کتاب بوده‌اند تا فضا سازی داستان.

چهار جلد کتاب ماجراهای آفتاب و عزیز خانم به وسیله دو تصویرگر، آقایان «نیکان پور» و «صلواتیان» مصور شده‌اند. در این مجموعه، هر دو تصویرگر تصویرهایی را ارائه کرده‌اند که به شکلی مکانیکی اجرا شده، فاقد شور هنرمندانه بوده و بارها و بارها دیده شده‌اند. در واقع شخصیت‌ها و عناصر تصویری این کتابها به صورت «مهر»هایی درآمده‌اند که در تصویرهای متفاوت، بنا به مقتضیات داستان تنها محل «ضرب شدن» آنها بر روی کاغذ با هم متفاوت است.

واقعیت این است که بسیاری از نقاشان و طراحان بزرگ نیز عناصر و فضاها را شخصی‌سازی کرده‌اند و این خود را بارها و بارها تکرار کرده‌اند و ایرادی نیز به این عمل آنها وارد نیست. شاید تعدادی از تصویرگران ما نیز به تبعیت از این شخصیت‌ها به دنبال تثبیت نوعی «سبک ویژه» برای خود هستند، اما باید توجه داشت که هر عنصر تصویری، دارای عمق معین است و چنانچه این عناصر از عمق زندگی اجتماعی تاریخ و فرهنگ تصویرگران خود استخراج نشده باشند، فاقد

توان تأثیرگذاری بلند مدت خواهند بود.

اگر تکرار هر نوع تصویری موجب تثبیت آبرومندانه هنرمند خالق آن می‌شود، تعداد زیادی از تصویرهای خامدستانه کتابهای چاپ سنگی ادوار گذشته سرزمین ما نیز باید برای خود اعتباری کسب می‌کردند. این امر در مورد هنرمندان هر دوره دیگری نیز صادق است. طراحی‌هایی که ظرفیت چند بار چاپ شدن در مجلات را دارند دارای چنان

عمق و غنایی نیستند که بشود آنها را بارها و بارها در کتابها چاپ کرد. اما اگر شرایط اجتماعی به گونه‌ای باشد که این آثار به کتابها راه پیدا کنند، تصویرگران آنها نمی‌توانند انتظار داشته باشند که با آنها مثل تصویرگران بزرگ رفتار شود. آن مثال چینی را به خاطر دارید که می‌گوید: «آن که یک ماهی به شما می‌دهد، شکم شما را برای یک شب سیر می‌کند، اما آن که به شما ماهیگیری می‌آموزد، زندگی‌تان را نجات داده است.» تصویرگری این مجموعه کتاب ما را برای یک شب سیر کرده است و ما هنوز تشنهٔ آموختن ماهیگیری هستیم!

